



مدرسان شریف

فصل دوم

«پیدایش و سیر تحول شهرهای جدید»

شهرهای جدید و تاریخچه آن

شهرهای جدید معمولاً برای تمرکززدایی کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در ناحیه شهری شهرهای بزرگ طراحی می‌شوند، تا با وجود جاذبه نزدیکی به شهرهای بزرگ، جمعیت آن‌ها به خروج از مادرشهر تشویق شوند و اسکان به همراه اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی فراهم آید. مفهوم شهر جدید، مفهوم اجزای یک شهر در ارتباط ارگانیک با یکدیگر است. معمولاً برنامه‌ریزی شهر جدید مبتنی بر پیش‌بینی جمعیت است، تا این جمعیت تخمینی پایه‌ای برای پیش‌بینی نیازهای کالبدی، اقتصادی و اجتماعی آینده باشد.

احداث شهرهای جدید بابل و آشوری در بین‌النهرین؛ موهنجودارو در ایندوس؛ کاهن در مصر؛ میلوس و پرنس در یونان و تعدادی مراکز شهرهای جدید در آفریقا با هدف تحقق بخشی از سیاست حکومت‌ها بوده است. در قرون وسطی گروه‌های مذهبی و پادشاهان و در عصر رنسانس نیز معماران و برنامه‌ریزان شهرهای جدید بسیاری ساخته‌اند. در دولت شهرهای یونان هدف اصلی از طراحی شهر ایجاد سکونتگاهی با اندازه جمعیتی مشخص و ایجاد نظامی دربرگیرنده تمامی فعالیت‌های مذهبی، سیاسی و اقتصادی شهروندان بود.

نکته ۱: تا اواسط قرن حاضر، معیار اصلی طراحی شهرهای جدید، اندازه معین تمام عناصر شهری آن بوده است.

شهر و مکاتب شهری

مکاتب آرمان‌گرایی و اصلاح‌گرایی در پیش از قرن بیستم و مکاتب فرهنگ‌گرایی، شیکاگو، طبیعت‌گرایی، فن‌گرایی و فلسفه‌گرایی در قرن بیستم به‌وجود آمده‌اند. در زیر به معرفی مکتب‌ها پرداخته می‌شود و آن‌ها را برمی‌شماریم:

۱- **مکتب آرمان‌گرایی:** مکتب آرمان‌گرایی، بر بهره‌گیری از روش‌شناسی کل‌نگر و اندیشه سیاسی - ایدئولوژیک برای نقد جوامع صنعتی تأکید کرده و نیز ایجاد نوعی اجتماع‌های جدید را همانند فالانستر و دهکده‌های تعاونی پیشنهاد می‌کند.

نکته ۲: مکتب آرمان‌گرایی شهرهای آرمانی را انتخاب انسان در برابر جوامع صنعتی می‌داند.

مبانی نظری مکتب آرمان‌گرایی یافتن راه‌حل مشکل‌های شهرهای بزرگ در خارج از این شهرهاست. این مکتب انسان را به صورت یک عنصر بیولوژیک مطرح می‌کند.

مثال ۱: کدام یک از مکاتب زیر ایجاد نوعی اجتماع‌های جدید همانند فالانستر و دهکده‌های تعاونی را پیشنهاد می‌کند؟

- ۱) مکتب اصلاح‌گرایی ۲) مکتب آرمان‌گرایی ۳) مکتب شیکاگو ۴) مکتب فن‌گرایی

پاسخ: گزینه «۲» مکتب آرمان‌گرایی بر بهره‌گیری از روش‌شناسی کل‌نگر و اندیشه سیاسی - ایدئولوژیک برای نقد جوامع صنعتی تأکید می‌کند و نیز ایجاد نوعی اجتماع جدید همانند فالانستر و دهکده‌های تعاونی را پیشنهاد می‌کند.

مثال ۲: در کدام یک از مکاتب زیر تفکر ناحیه‌بندی وجود ندارد؟

- ۱) شیکاگو ۲) مدرنیسم ۳) فرامدرنیسم ۴) مکتب فرهنگ‌گرایی

پاسخ: گزینه «۴» در مکتب فرهنگ‌گرایی کل شهر (مجموعه شهر) بر اجزای شهر برتری دارد و ناحیه‌بندی کمتر مورد توجه است.

مثال ۳: کدام یک از جغرافی‌دانان زیر معتقد است که هر شهر رشد طبیعی دارد و نیز از محیط طبیعی که در آن به‌وجود آمده، جدایی‌ناپذیر است؟

- ۱) پاتریک گدس ۲) لوئیس مامفورد ۳) لوید رایت ۴) ابنزرهاوارد

پاسخ: گزینه «۱» پاتریک گدس معتقد است شهر رشد طبیعی داشته و از مجموعه خود جدا نیست. در مطالعه شهر باید کل شهر را مورد توجه قرار داد.

۲- مکتب اصلاح‌گرایی: مکتب اصلاح‌گرایی با تأکید بر جنبه‌های فن‌شناختی معتقد به یافتن راه‌حلهایی برای رفع مشکلات شهری در چهارچوب جوامع صنعتی است. در این مکتب عقیده بر آن است که بهسازی و ساماندهی محیط شهری باید از درون همین جوامع صورت پذیرد. اصلاح‌گرایان زمین را ثروت شهر و حومه می‌دانند.

۳- مکتب شیکاگو: پیروان مکتب شیکاگو بی‌نظمی جامعه صنعتی در اروپا را ناشی از کم‌بودن زمین در شهر می‌دانند.

کج مثال ۴: مکتب شیکاگو برای حل مشکلات شهری چه الگویی را ارائه می‌دهد؟

(۱) روستا - شهری (۲) متمرکز (۳) یکپارچه (۴) شهرگرایی

پاسخ: گزینه «۱» مکتب شیکاگو الگوی روستا - شهری را برای حل مشکلات شهری ارائه می‌دهد.

در این مکتب توجه به اکولوژی یا محیط طبیعی اهمیت ویژه‌ای دارد. این مکتب از داروین‌سبم اجتماعی در زمینه عامل رقابت در شهر بهره می‌برد و در علوم معماری و جامعه‌شناسی شهری مطرح است.

نکته ۳: ویلیام لوبارن جنی از بنیانگذاران مکتب معماری شیکاگو و نیز ارنست برگس و رابرت ازرا پارک از بنیانگذاران مکتب جامعه‌شناسی شهری شیکاگو هستند.

۴- مکتب مدرنیسم: مکتب مدرنیسم بر به‌کارگیری هنرهای تجسمی و معماری یا هنر و فن استوار است. مکتب مدرنیسم به شهر حول محور مدرنیسم و قطع ارتباط با گذشته، تاریخ و زمان نگاه می‌کند و فقط و فقط به مسائل معماری می‌پردازد. پیروان مکتب مدرنیسم الگوهای «شهر - پارک»، «شهر - شیئی»، «شهر - عمودی»، «عملکردگرایی» و «تولید انبوه» را در شهر ابراز می‌دارند.

نکته ۴: مکتب مدرنیسم به شهر حول محور مدرنیسم و قطع ارتباط با گذشته، تاریخ و زمان نگاه می‌کند و در پست‌مدرن عکس این مسئله وجود دارد.

۵- مکتب فرامدرنیسم: برنامه‌ریزان شهری نخستین کسانی بودند که مکتب مدرنیسم را مورد انتقاد قرار دادند. برنامه‌ریزان شهری مطالعات شهری را مطرح و شهرها را در قالب مفاهیمی چون خوشه‌های شهری، جابه‌جایی جمعیت و مسکن بررسی کردند.

نکته ۵: بزرگ‌ترین نقاد مکتب مدرنیسم چارلز جنکس است که مدرنیسم را به دلیل تک‌طرفیتی و تهی‌بودن از سطوح معنایی مورد انتقاد قرار داد.

۶- مکتب فرهنگ‌گرایی: مکتب فرهنگ‌گرایی در نگاه به شهر محورهای معنوی را بر مادی مقدم می‌دارد. مکتب فرهنگ‌گرایی به غلبه کل بر جزء معتقد است؛ یعنی مجموعه شهر بر افراد غلبه دارد و مفهوم فرهنگی شهر بر مفهوم مادی آن مقدم است.

نکته ۶: در مکتب فرهنگ‌گرایی تفکر ناحیه‌بندی در شهر وجود ندارد.

۷- مکتب طبیعت‌گرایی: مکتب طبیعت‌گرایی را گروهی همانند گدس، مامفورد و لوید رایت بنیان گذاشتند که برنامه‌ریزان شهری نامیده می‌شوند. گدس معتقد است هر شهر رشد طبیعی دارد و نیز از محیط طبیعی که در آن به‌وجود آمده، جدایی‌ناپذیر است. مامفورد، شاگرد گدس، رشد شهرها را براساس جامعه‌شناسی زاینده از زیست‌شناسی می‌داند. رایت الگوی شهر جدید گسترده و شهر ناپیدا را مطرح می‌کند.

۸- مکتب فلسفه‌گرایی: مکتب فلسفه‌گرایی زیبایی‌شناسی و آزادی انسان را مطرح می‌کند و به تأثیرات صنعت و صنعتی‌شدن می‌پردازد و معتقد است زندگی اجتماعی فدای صنعت شده و صنعت پریشانی مردم شهرها را نیز موجب شده است.

۹- مکتب فن‌گرایی: از ۱۹۶۰ بعد، الگوی مدرنیست‌ها در کشورهای صنعتی به صورت فن‌گرایی، مکتب آینده‌گرایی جدید و تکنوتوپیا یا سرزمین فن مطرح می‌شود. فن‌گرایان شهرهای آسمان‌خراش را مطرح می‌کنند؛ چون معتقدند زمین باید برای استفاده عموم آزاد شود.

۱۰- مکتب آمایش انسانی: پیروان مکتب آمایش انسانی نظریه شهر انسانی را مطرح و به معماران که شهر را در تیول خود دارند، حمله می‌کنند.

نکته ۷: این مکتب به نقش مطلق انسان در طبیعت اهمیت می‌دهد و معتقد است که در تفکر معماران انسان در نظر گرفته نمی‌شود.

مکتب آمایش انسانی شهر را مکان فرهنگی می‌داند و معتقد است که ناحیه شهری وجود دارد. روش مطالعات شهری که پس از نظریه باغ‌شهرها به وجود آمد، براساس نظریه‌های مکتب آمایش انسانی است.

۱۱- نظریه توسعه پایدار شهری: واژه توسعه پایدار را اولین بار به‌طور رسمی برانث‌لند، در گزارش «آینده مشترک ما» مطرح کرد.

نظریه توسعه پایدار شهری حاصل بحث‌های طرفداران محیط‌زیست درباره مسائل زیست‌محیطی به‌خصوص محیط‌زیست شهری است؛ در این نظریه موضوع نگهداری منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد کردن کمترین ضایعات به منابع تجدیدنپذیر مطرح است.

این نظریه پایداری شکل شهر، الگوی پایدار سکونتگاه‌ها، الگوی مؤثر حمل‌ونقل در زمینه مصرف سوخت و نیز شهر را در سلسله‌مراتب ناحیه شهری بررسی می‌کند.

کج مثال ۵: کدام یک از نظریه‌های شهری شهر را در سلسله‌مراتب ناحیه شهری مورد بررسی قرار می‌دهد؟

(۱) نظریه باغ‌شهر (۲) نظریه واحدهای همسایگی (۳) نظریه شهرک‌های اقماری (۴) نظریه توسعه پایدار شهری

پاسخ: گزینه «۴» نظریه توسعه پایدار شهری، پایداری شکل شهر؛ الگوی پایدار سکونتگاه‌ها، الگوی مؤثر حمل‌ونقل در زمینه مصرف سوخت و نیز شهر را در سلسله‌مراتب ناحیه شهری بررسی می‌کند.



نظریه باغ شهر

هاوارد نظریه باغ شهر را در سال ۱۸۹۸ مطرح کرد.



نکته ۸: ایده وی در زمینه طراحی شهر مبتنی بر جنبه‌های اقتصادی، بهداشتی، بصری و معماری بود.

او دیدگاه تخیل‌گرایان را در تدوین چهارچوب کلی نظریه‌اش آورد و از دیدگاه اصلاح‌گرایان درباره زمین استفاده کرد.

همچنین در نظریه خود سه مغناطیس شهر، روستا و روستا - شهر را ارائه می‌دهد. وی مغناطیس شهر - روستا را ضامن زندگی مرفه انسان می‌داند.

هاوارد برای ساخت شهر زمینی به مساحت ۶ هزار ایکر در نظر می‌گیرد که در هزار ایکر آن تأسیسات شهری احداث می‌شود.

هاوارد حد متوسط جمعیت باغ شهر و اطراف (روستاها) آن را ۳۲ هزار نفر بیان می‌کند که ۳۰ هزار نفر در خود شهر و ۲ هزار نفر در نواحی روستایی اطراف شهر ساکن می‌شوند.

کلمه مثال ۶: اندازه جمعیتی باغ شهر هاوارد چند نفر بود؟

(۱) ۳۰ هزار نفر (۲) ۳۲ هزار نفر (۳) ۱۰ هزار نفر (۴) ۴۰ هزار نفر

پاسخ: گزینه «۲» باغ شهر هاوارد ۳۲ هزار نفر ظرفیت داشت که ۳۰ هزار نفر در شهر و ۲ هزار نفر آن در نواحی روستایی ساکن شدند.

نظریه شهرک‌های اقماری

نظریه شهرک‌های اقماری برای کنترل رشد جمعیتی و کالبدی شهرهای بزرگ به کار گرفته می‌شود.



نکته ۹: این نظریه یک مرحله حد واسط میان باغ شهرها و شهرهای جدید است.

ایده شهرک‌های اقماری بر راهبرد گسترش سطوح ناحیه شهری تأکید می‌کند که در حقیقت دیدگاه دیگری از برنامه‌ریزی ناحیه‌ای است.

نظریه واحدهای همسایگی

از جمله نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری جهان و اروپا نظریه کلارنس پری در سال ۱۹۲۳ با عنوان «واحد همسایگی» است.

پری معتقد بود خدمات عمده و اساسی باید در نزدیکی خانه مسکونی مستقر شود و مسیرهای دسترسی به خدمات نباید خیابان‌های اصلی را قطع کند.

وی معیار ۱۰ هزار نفر جمعیت را برای یک واحد همسایگی پرتراکم بیان می‌کند.



نکته ۱۰: در این نظریه اتومبیل عامل قدرت‌بخشیدن به نظریه واحدهای همسایگی و نیز محرک تفکیک شهرها به تعدادی از واحدهای ساختاری بود که یک نظام سلسله‌مراتبی شهری را به وجود می‌آورد.

کلمه مثال ۷: کدام یک از عوامل زیر عامل قدرت‌بخشیدن به نظریه واحدهای همسایگی بود؟

(۱) کمبود امکانات شهر (۲) اتومبیل (۳) حمل و نقل ریلی (۴) عامل راه

پاسخ: گزینه «۲» اتومبیل عامل قدرت‌بخشیدن به نظریه واحدهای همسایگی و نیز محرک تفکیک شهرها به تعدادی از واحدهای ساختاری بود که یک نظام سلسله‌مراتبی شهری را به وجود می‌آورد.

نظریه‌هایی درباره شهرهای جدید

سیلک باکینگهام در رساله‌ای با عنوان شهرهای جدید، جمعیت بهینه شهرهای جدید را معادل ۱۰ هزار نفر بیان می‌کند.

بنجامین و ریچاردسون حد متناسب جمعیت را ۱۰۰ هزار نفر برای شهر سالم بیان می‌کنند.

اسپنیارد آرتور سوریا مانا نظریه شهر خطی را در اطراف شهر مادرید به اجرا درآورد.

شهر صنعتی جدید تونی گارنیه، جمعیت بهینه ۳۵ هزار نفر را دربر می‌گرفت.

پل ولف نظریه ایجاد سه یا چهار باغ شهر را در گروه‌های ۱۰۰ هزار نفری ارائه کرد.

لوکوربوزیه به دیدگاه مدرنیسم گرایش داشت و جمله معروف «خانه ماشینی است برای زندگی در آن» را بیان کرد و نظریه «شهر معاصر»، طرح

همجواری و «شهر درخشان» را ارائه داد. وی همچنین شاندیگار پایتخت جدید ایالت پنجاب هند را طراحی کرد. این شهر همانند شهرهای آمریکایی و

اروپایی برای حرکت ماشین کاملاً مناسب طراحی شده بود.

در سال ۱۹۳۳ اریک گلودن نظریه مجتمع‌های شهری را برای تمرکززدایی از شهرها به پیروی از نمونه‌های روستایی ارائه می‌دهد.



نکته ۱۱: مجتمع‌های شهری وی از سلول‌های مشابهی تشکیل می‌شوند که با فاصله‌های مختلف از یکدیگر واقع شده‌اند.

فرانک لوید رایت نظریه «شهر پهن‌دستی» یا «شهر فردا» را برای تمرکززدایی از شهرهای بزرگ ارائه کرد.

لوید رایت فاصله مناسب بین شهرهای جدید و مادرشهر را در ناحیه لندن کمتر از چهل کیلومتر و در سایر نواحی ۲۰ کیلومتر بیان می‌کند.

در دهه ۱۹۶۰، برای احداث شهرهای جدید به خوداتکایی و اشتغال‌زایی بیشتر توجه می‌شد.

چهارچوب نظری رایت را موضوع‌های نزدیکی محل کار به محل سکونت، خوداتکایی، ساختمان‌سازی روی زمین‌های بکر، توجه به طبیعت و نزدیکی فضاهای

صنعتی به فضاهای مسکونی تشکیل می‌دهد.

کج مثال ۸: کدام یک از افراد زیر جمله معروف «خانه ماشینی است برای زندگی در آن» را بیان کرد؟

- (۱) سیلک باکینگهام (۲) لوکوروبوزیه (۳) تونی گارنیه (۴) اریک گلودن

پاسخ: گزینه «۲» او دیدگاه مدرنیسم داشت و جمله «خانه ماشینی است برای زندگی» که نشان‌دهنده همین دیدگاه اوست، از بوزیه است.



کج مثال ۹: الگوی اولیه شهرهای جدید امروزی بر پایه کدام نظریه استوار است؟

- (۱) شهر خطی (۲) شهر صنعتی (۳) باغ‌شهر (۴) شهرک‌های اقماری

پاسخ: گزینه «۳» شهرهای جدید امروزی برگرفته از اندیشه باغ‌شهر هاوارد است.



کج مثال ۱۰: فرانک لوید رایت کدام نظریه را برای تمرکززدایی از شهرهای بزرگ ارائه کرد؟

- (۱) شهر پهن‌دستی - شهر فردا (۲) شهر معاصر (۳) آرمان‌شهری (۴) شهرهای جدید

پاسخ: گزینه «۱» فرانک لوید رایت نظریه پهن‌دستی یا شهر فردا را جهت کاهش تراکم در شهرهای بزرگ ارائه نمود.



روند شهرهای جدید

دوره اول: باغ‌شهرها به‌عنوان الگوی اولیه شهرهای جدید (۱۹۳۸ - ۱۸۹۸)

نکته ۱۲: در این دوره باغ‌شهرها، شهرک‌های اقماری و سپس شهر جدید به‌عنوان گزینه‌ای در برابر رشد نابسامان و فزاینده برخی از شهرک‌های انگلستان به‌ویژه شهرهای صنعتی مطرح می‌شوند.

در این دوره به نقش هرچه بیشتر دولت در توسعه شهرها، حد متناسب جمعیت باغ‌شهرها و انتقال جمعیت اضافی به باغ‌شهرها تأکید می‌شود.

دوره دوم: سیاست رویارویی با رشد مناطق شهری (۱۹۶۰ - ۱۹۳۸)

نکته ۱۳: در این دوره نقش بیشتر سکونتگاه‌ها جلوگیری از ازدیاد جمعیت شهرهای بزرگ (به‌ویژه پایتخت‌ها) با توزیع جمعیت پیرامون این نقاط است. به سیاست برنامه‌ریزی تمرکززدایی توجه کافی نشد و طرح‌های توسعه شهرهای جدید به‌طورمستقل در روند برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی به اجرا درآمدند.

دوره سوم: تحول در اهداف شهرهای جدید (۱۹۷۰ - ۱۹۶۰)

نکته ۱۴: در این دوره شهرهای جدید به‌عنوان ابزار سامان‌دهی فضای ملی، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و سیاست تمرکززدایی جمعیتی و اقتصادی مطرح می‌شود. در این دهه با پیدایش مسائل جدیدی چون قطبی‌شدن الگوی مراکز سکونتی، برهم‌خوردن تعادل ناحیه‌ای و ایجاد شکاف میان نواحی رفع این مشکلات و توجه به تمرکززدایی از جمله اهداف نوین ایجاد شهرهای جدید است.

الگوی اولیه شهرهای جدید امروزی بیشتر بر پایه نظریه باغ‌شهر استوار است. ایجاد شهر جدید برای تمرکززدایی کالبدی، اقتصادی و اجتماعی ناحیه شهری در اطراف شهرهای بزرگ معمول شد تا با تشویق جمعیت به خروج از مادرشهر، ساماندهی فضایی آن انجام شده و اجتماعی سالم و متعادل ایجاد شود.

گونه‌شناسی و طبقه‌بندی شهرهای جدید

شهرهای جدید براساس وسعت، فاصله، جمعیت، نوع و سطح فعالیت اقتصادی در چندین الگو طبقه‌بندی می‌شوند:

- ۱- شهرهای جدید مستقل؛ ۲- شهرهای جدید اقماری؛ ۳- شهرهای جدید پیوسته.

کج مثال ۱۱: تا اواسط قرن حاضر، معیار اصلی طراحی شهرهای جدید کدام یک از موارد زیر بوده است؟

- (۱) اندازه جمعیت مشخص (۲) اندازه معین تمام عناصر شهر (۳) تحقق بخشی سیاست حکومت‌ها (۴) موقعیت جغرافیایی

پاسخ: گزینه «۱» ایجاد شهرهای جدید به منظور خروج جمعیت از مادرشهرها و کاهش فشارها بر منابع شهری، ساماندهی فضایی شهر و ایجاد تعادل در سلامت و رفاه عموم است. معیار اصلی ایجاد این شهرها در اواسط قرن حاضر اندازه جمعیت مشخص بوده است.



۱- شهرهای جدید مستقل

نکته ۱۵: هدف از ایجاد شهرهای جدید مستقل در اصل «سیاست تمرکززدایی» ملی، ناحیه‌ای و تعادل بخشی به نواحی مختلف کشور است.


چگونگی مکان‌یابی یک شهر جدید مستقل بیشتر گزینشی است و این انتخاب به عملکردهای مشخص اقتصادی آن منطقه بستگی دارد.

موردی از شهرهای جدید مستقل پایتخت‌های جدیدی است که بنا شده‌اند تا نقشی در مقیاس محلی و ناحیه‌ای ایفا کنند. هر کدام از این‌ها به دور از فضاهای شهری به‌دلایلی از جمله تسریع در پیشرفت اقتصادی ناحیه‌ای که در آن قرار دارند، رقابت سیاسی بین شهرهای بزرگ برای پایتخت‌شدن مانند کانبرا و واشنگتن گاهی بنا به هر دو دلیل قبلی مانند برازیلیا و سرانجام به دنبال اصلاحات و تعدیل‌هایی که از نظر ارضی حاصل شده است، به‌وجود آمده‌اند.


۲- شهرهای جدید اقماری

شهرهای جدید اقماری اجتماع‌های برنامه‌ریزی‌شده‌ای در درون حوزه کلان‌شهرها هستند که با شهر مرکزی پیوندهای عملکردی مستحکمی را حفظ می‌کنند. وسعت این شهرها بین ۴۰۰ تا ۶ هزار هکتار و بیشتر است.

شهرهای جدید اقماری از نظر شکل، تراکم و شیوه زندگی اصولاً تداوم الگوی سکونتی حومه‌نشینی به‌شمار می‌روند.


نکته ۱۶: اصول حاکم بر شهرهای جدید اقماری تراکم‌زدایی است. 

شهرهای جدید اقماری را شهرهای خوابگاهی نیز می‌نامند. نظریه رسمی ایجاد شهرهای جدید اقماری را اولین بار لئوناردو داوینچی برای جلوگیری از ازدیاد جمعیت شهر میلان مطرح کرد اما نظریه ایجاد چنین شهرهایی را در سال ۱۸۹۸ هاوارد با عنوان باغ‌شهرها ارائه داده بود.

نکته ۱۷: فاصله شهرهای جدید اقماری با مادرشهر به سطوح تکنولوژی و حمل‌ونقل کشور بستگی دارد. 

۳- شهرهای جدید پیوسته

این اصطلاح را هاروی پارلوف برای توصیف شهرهایی به‌کار برد که در محدوده شهرهای موجود احداث می‌شوند. هدف از ایجاد شهرهای جدید پیوسته ساماندهی فضایی و تراکم‌زدایی از مادرشهر است. کشورهای اسکانديناوی از نظریه شهرهای جدید پیوسته در توسعه پایتخت و شهرهای بزرگ استفاده کردند.


نکته ۱۸: بیشتر شهرهای جدید ایران از نوع پیوسته هستند. شهر جدید پیوسته نتیجه مکتب شهرسازی استکهلم است. 

الف - شهرهای موازی

شهر موازی ریبودوژانیرو به دلیل محدودیت‌های جغرافیایی پیرامون مادرشهر به‌وجود آمد. شهرهای موازی مکزیکوسیتی و کلکته به علت مسئله تأمین آب به‌وجود آمده‌اند. از نمونه‌های شهرهای قدیمی و جدید مجاور هم می‌توان از اسلام‌آباد راولپندی در پاکستان نام برد.

ب - واحد توسعه


واحد توسعه شهری را می‌توان بخشی از ساختار شهرهای جدید یا الگوی توسعه حومه‌نشینی به‌حساب آورد.

نکته ۱۹: واحد توسعه شهری را نمی‌توان شهر جدید دانست اما این نوع سکونتگاه‌ها یکی از اجزای مهم و کلیدی سکونتگاه‌های شهری جدید به‌شمار می‌آید. 

پ - شهرهای جدید مهاجرنشین

هدف از ایجاد شهرهای جدید مهاجرنشین تخلیه شهرها به وسیله مهاجرت، حفظ تعادل میان جمعیت و محیط در کلان‌شهرها و بهره‌مندی از نیروی انسانی و منابع طبیعی یک ناحیه است. شهرهای جدید مهاجرنشین را می‌توان براساس منشأ عملکرد آن‌ها به پنج طبقه شهرهای کشاورزی - نظامی، تجاری، مراکز ناحیه‌ای، معدنی و بازیابی زمین از دریا تقسیم‌بندی کرد.

ت - شهرهای جدید سرریزپذیر

نکته ۲۰: این شهرها برای خنثی کردن و کنترل رشد شتابان شهرهای بزرگ و نیز جذب و انتقال بخشی از جمعیت آن‌ها احداث می‌شود. 

ث - پایتخت‌های جدید

پایتخت‌های جدید به‌طور کلی برای تشکیل دولتی جدید یا انتقال حکومت از مکانی به مکان دیگر احداث می‌شدند.

برای مثال واشنگتن دی.سی برای ایجاد تعادل میان ایالت‌های متحد شمالی و جنوبی؛ کانبرا به علت رقابت ملبورن و سیدنی؛ سن پترزبورگ برای دورشدن پایتخت از مرزهای مورد تهدید؛ اسلام‌آباد به دلیل نزدیکی به نواحی ویژه؛ برازیلیا به علت سیاست ملی اجرای توسعه ناحیه‌ای که سبب توزیع دوباره جمعیت شود و سرانجام در کنار شهر موجود که در این حالت نقش شهر موازی را ایفا می‌کند، مانند راولپندی و اسلام‌آباد.


در دوره مادها شهر اکباتان؛ در دوره هخامنشیان پاسارگاد؛ در دوره پارتیان و ساسانیان شهر تیسفون پایتخت ایران بودند؛ در دوره هخامنشیان تخت جمشید پایتخت ملی و شوش پایتخت سیاسی - اداری بود.

والتر بورلی طرح کانبرا را در سال ۱۹۱۲ ارائه کرد. آلبرت مهیر طرح شاندرار را برای ۵۰۰ هزار نفر پیشنهاد کرد و بعداً لوکوربوزیه آن را طراحی کرد.

تفکر ایجاد اسلام‌آباد به علت تراکم زیاد لاهور و در پی سیاست ایجاد قطب رشد، توسط شرکت دوکسیادس طراحی شد.

ج - شهرهای جدید صنعتی

این شهرها معمولاً در نزدیکی منابع مواد خام احداث می‌شوند. فاصله مطلوب بین ناحیه صنعتی و محل شهر جدید صنعتی حدود ۱۰ تا ۱۵ کیلومتر است و بین ناحیه مسکونی و ناحیه صنعتی کمربند سبز ایجاد می‌شود.

نکته ۲۱: تونی گارنیه نظریه‌پرداز اصلی شهر جدید صنعتی است. 



مدرسان شریف

فصل پنجم

«شهر و برنامه‌ریزی شهری در ایران»

الف - شهر و برنامه‌ریزی شهری در ایران باستان

۱- پایه‌گذاری و ایجاد اولین هسته‌های شهری در زمان مادها و هخامنشیان

شهر هگمتانه در پاسخ به نیازهای دولت ماد، هم مرکز حکومت بود و هم امکان تجمع گروه وسیعی را فراهم آورد. در زمان هخامنشی، روستاها و دهکده‌ها زمینه‌های تکامل فنون و شهرسازی را بنیان نهادند و روند تکامل معماری شهرسازی را آغاز کردند. شهرهای مهم زمان حکومت پادشاهان هخامنشی جنبه اداری و سیاسی داشت. این شهرها بیشتر تحت تأثیر تمایلات و خواسته‌های پادشاهان شکل می‌گرفت. یونانیان پایتخت کوروش را به دلیل داشتن حالت نظامی، پاسارگاد (پارسه‌گرد) به معنی اردوگاه پارسیان می‌خوانده‌اند. مجموعه تخت جمشید روی تپه سنگی طبیعی واقع شده است. قبل از بنای عناصر شهر، اقداماتی جهت زیرسازی زمین و تجهیزات آن به تأسیسات زیربنایی صورت گرفته است.

۲- دوره تحولات جدید برنامه‌ریزی شهری در زمان سلوکیان و اشکانیان

- سلوکیان اولین بانیان شهرهای جدید در ایران بودند. شهرهای نوین سلوکی به سبک هیپودام ساخته می‌شدند. یکی از شهرهای آن‌ها آگورا است که مرکز مبادلات کالاها و اجتماعات سیاسی است.

کج مثال ۱: شهر اروپوس در زمان کدام سلسله تاریخی شکل گرفته و از کدام نوع شهرهای جدید بوده است؟

- (۱) هخامنشیان - نوع دوم (۲) سلوکیان - دوم شهر (۳) اشکانی - اول شهر (۴) مادها - سوم شهر

پاسخ: گزینه «۲» شهر مرو جزء اولین شهرهای ساخته‌شده توسط سلوکیان است، همچنین شهر اروپوس از نوع دوم شهرهایی بود که سلوکیان ایجاد می‌کردند. آن‌ها مهاجران و سربازان یونانی را در پادگان‌های نظامی اسکان می‌دادند. پس از توسعه و گسترش نیز به آن‌ها عنوان پولیس اعطا می‌کردند.

کج مثال ۲: اولین بانیان شهرهای جدید در ایران کدام یک از حکومت‌های زیر بودند؟

- (۱) اشکانیان (۲) سلوکیان (۳) هخامنشیان (۴) ساسانیان

پاسخ: گزینه «۲» سلوکیان اولین بانیان شهرهای جدید در ایران بودند.

نوع سوم، شهرها یا پولیس‌هایی بودند که یونانی‌ها با تغییر و تبدیل یک یا چند دهکده یا شهرک‌های کوچک به وسیله ساختن استحکام‌ها و تشکیل حصاری در آن‌ها ایجاد می‌کردند. نام دیگر تیسفون سلوکیه نام دارد که جزء شهرهای نوع سوم است. شهرهای دیگری که یونانی‌ها ایجاد کردند، آن‌هایی بودند که قبلاً صورت شهری داشته و محل سکونت آن‌ها قرار می‌گرفتند. این شهرهای قدیمی توسط یونانی‌ها توسعه و گسترش می‌یافتند؛ از این نمونه می‌توان در درجه اول شوش و بعد فسا، کنگاور و نهاوند را نام برد.

نقشه‌های شطرنجی موسوم به هیپودام در زمان اشکانیان نیز به کار برده شده است. از نظر شهرسازی در زمان اشکانیان منطقه گرگان رایج‌ترین شیوه شطرنجی یا شبکه‌بندی محوطه بوده است. اشکانیان سیاست شهرسازی مرو را متأثر از عوامل نظامی تغییر دادند. جالب توجه‌ترین شهر مدور دوره اشکانی شهر دارابگرد است که هشت دروازه مساوی دارد.

کج نکته ۱: طرح دایره‌ای شهرها عدم امنیت دائمی را که در ایران زمان اشکانیان حکم‌فرما بود و عدم ثبات سیاسی خارجی و اغتشاشات را آشکار می‌سازد.

این طرح دایره‌ای‌وار از اجتماع چادرهای قبایل اشکانی گرفته شده است. احداث تعدادی شهرهای اشکانی مانند فیروزآباد در آغاز به منظور مقاصد نظامی بوده است. از شهرهای ساخته‌شده در زمان اشکانیان می‌توان از دارابگرد، فسا، تیسفون، هترا و آشور نام برد.

کج مثال ۳: شهر تیسفون جزء کدام نوع از شهرهای زمان سلوکیان به‌شمار می‌آید؟

- (۱) نوع اول (۲) نوع دوم (۳) نوع سوم (۴) نوع چهارم

پاسخ: گزینه «۳» نوع سوم شهرها پولیس‌هایی بودند که با تغییر و تبدیل شهرک‌های کوچک ایجاد می‌شدند؛ مانند تیسفون که جزء نوع سوم بود.

کله مثال ۴: از نظر شهرسازی زمان اشکانبان، کدام منطقه رایج ترین شیوه شطرنجی یا شبکه بندی محوطه بوده است؟

- (۱) منطقه گرگان (۲) منطقه آذربایجان (۳) منطقه خراسان (۴) منطقه خوزستان

پاسخ: گزینه «۱» در زمان اشکانبان گرگان رایج ترین شیوه شطرنجی یا شبکه بندی محوطه بوده است.

کله مثال ۵: شهرهای دایره وار در زمان اشکانبان نشانگر چه مسائلی بوده است؟

- (۱) عدم امنیت دائمی (۲) موقعیت منطقه ای حکومت (۳) عدم ثبات اقتصادی (۴) تأمین آب شهرها

پاسخ: گزینه «۱» طرح دایره ای شهرها عدم امنیت دائمی و عدم ثبات سیاسی خارجی را آشکار می کند.

۳- ادامه و تکامل روند برنامه ریزی شهری در زمان ساسانیان

عوامل مؤثر در گسترش دامنه شهرسازی در دوره ساسانیان ناشی از سه عامل به کارگرفتن مردم در دستگاه دولت، شکوفایی بازرگانی و پیشه وری و ضرورت دفاع از مرزهاست.

علاوه بر نقش اقتصادی مهم شهرها در زمان ساسانی، شهرها از شالوده های اساسی سیاسی نیز به شمار می آمدند. ساکنان انطاکیه و دیگر شهرهای سوریه، نخستین بار توسط شاپور اول به ایران آورده شدند. شاپور اول اسیران رومی را در شهر جندی شاپور خوزستان اسکان داد. شهر اردشیرخوره یا فیروزآباد با محاسبات دقیق و شگفت آور ریاضی روی تمام نقشه شهر ساخته شده است. شهر بیشاپور در زمان ساسانیان با سیستم هیپودام (شطرنجی) ساخته شده بود.

نکته ۲: مسئله مهمی که باید در سیستم شهرسازی ساسانیان مورد توجه قرار گیرد، وجود کاربری ها یا عناصر سه گانه (کهن دژ، شهرستان و روض که در آن بازار نیز قرار داشته) و همچنین وجود جهات چهارگانه در هنگام ایجاد معابر و دروازه هاست.

اجزای سه گانه ساخت شهرها در زمان ساسانیان

در زمان ساسانیان شهر از سه بخش کهن دژ، شهرستان یا شارستان و روض یا حومه تشکیل می شد. اولین قسمت و مهم ترین بخش شهر ساسانی کهن دژ یا قلعه نام داشت و مظهر و مرکز قدرت و تصمیم گیری بود.

قسمت دوم شهر دوره ساسانی که پیرامون کهن دژ قرار داشته و درواقع شهر قلعه ای بوده، همان بخش اصلی شهر است؛ این بخش شهرستان یا شارستان بود که دروازه های شهر نیز به این قسمت باز می شد.

در بیرون از حصار که شهرستان را احاطه می کرد، روض یا حومه قرار گرفته بود. کشتزارها و مزارع در این قسمت قرار دارد. ساکنان حومه یا روض از بازرگانان، کسبه، پیشه ووران و روستاییان تشکیل می شده و طبقه خراج گزار نامیده می شدند.

نکته ۳: به دلیل توسعه و رونق تجارت در زمان ساسانیان، بازارها و مراکز تولید، قلب واقعی شهرها را تشکیل می داد. بازارها که در ابتدا در روض و در مدخل شهرها قرار داشتند، به تدریج با رونق گرفتنشان به سمت داخل شهر و به طرف مرکز شهر گسترش یافتند و به عنوان عنصری مهم خود را نمایاندند.

- نظام طبقاتی موجود در شهرهای زمان ساسانیان

چهار طبقه روحانیان، ارتشیان، دبیران و توده ملت (روستاییان، صنعتگران و شهریان) نظام طبقات اجتماعی را تشکیل می دادند. طبقه اول در کهن دژ، طبقه دوم و سوم که جزء طبقات بالا و ممتاز بودند، در شهرستان و طبقه چهارم در حومه جای می گرفتند.

- جهت یابی چهارگانه در شهرهای زمان ساسانیان

از خصوصیت های قابل مشاهده در شهرهای زمان ساسانی، منتهی شدن معابر اصلی شهر به چهار دروازه اطراف شهر است. این مسئله به تبعیت از چهار جهت جغرافیایی و درحقیقت ناشی از جهان بینی و فرهنگ حاکم بر اعتقادات آنان است.

بعد از ورود اسلام به ایران، مسجد جامع به عنوان یک عنصر مهم در ارتباط فضایی با بازار شهر بنا می شد. عناصر سه گانه بازار، ارگ و مسجد جامع به همراه محله ها اطراف آن ها عناصر و فضاهای شهرهای اسلامی ایران را تشکیل می دادند.

کله مثال ۶: وجود عناصر یا کاربری های سه گانه (کهن دژ، شهرستان و روض) و همچنین وجود چهار جهت در هنگام ایجاد معابر و دروازه ها از ویژگی های شهرسازی کدام حکومت بود؟

- (۱) هخامنشیان (۲) سلوکیان (۳) ساسانیان (۴) پارتیان

پاسخ: گزینه «۳» وجود عنصری مانند کهن دژ، شارستان و روض از ویژگی های دوره ساسانی است.

کله مثال ۷: بازرگانان، پیشه ووران و روستاییان در کدام بخش از شهر دوره ساسانی ساکن بودند؟

- (۱) کهن دژ (۲) روض (۳) شارستان (۴) مدخل شهر

پاسخ: گزینه «۲» در دوره ساسانی بازرگانان، پیشه ووران و روستاییان در بخش روض ساکن بودند.

ب- شهر و برنامه‌ریزی شهری در دوره پس از ورود اسلام

پس از ورود اسلام، نظام طبقاتی ساسانیان به هم خورد. رض و حومه نیز اهمیت بیشتری نسبت به شارستان پیدا کردند. به دنبال آن مفهوم منطقه شهری شکل گرفت. از مهم‌ترین ویژگی شهری در دوره اسلامی می‌توان به گونه شدن و فشرده شدن عناصر تشکیل دهنده بافت شهرها اشاره کرد. نکته ۴: شهرهای تولیدی - بازرگانی نمونه‌های جامعی از برنامه‌ریزی‌ها و شهرسازی‌های به‌جامانده از دوران حاکمیت اسلام در ایران هستند.

مثال ۸: مهم‌ترین ویژگی شهری در دوره اسلامی چه بود؟

- (۱) گونه شدن و فشرده شدن عناصر تشکیل دهنده بافت شهرها
(۲) تشکیل منطقه شهری
(۳) برهم خوردن نظام طبقاتی ساسانیان
(۴) اهمیت یافتن رض یا حومه

پاسخ: گزینه «۱» پس از ورود اسلام به دلیل به هم خوردن نظام طبقاتی مهم‌ترین ویژگی شهرهای دوره اسلامی فشرده شدن بافت‌های شهری شد.

مثال ۹: نمونه‌های جامع از برنامه‌ریزی‌ها و شهرسازی‌های دوره حاکمیت اسلام در ایران کدام نوع شهرها هستند؟

- (۱) شهرهای نظامی (۲) شهرهای تولیدی - بازرگانی (۳) شهرهای مذهبی (۴) شهرهای جدید

پاسخ: گزینه «۲» شهرهای تولیدی و بازرگانی نمونه‌های جامع از برنامه‌ریزی دوره حاکمیت اسلام در ایران هستند.

۱- سیر تحول تاریخی شهر و برنامه‌ریزی شهری در دوره پس از ورود اسلام به ایران

الف - قرون اولیه اسلامی

در قرون نخستین اسلامی شهرها تحت تأثیر ویژگی‌های معماری و شهرسازی دوره ساسانی احداث و بنیان‌گذاری می‌شوند. شهرهای قرون نخستین اسلامی به دو دسته شهرهای نوساز و شهرهای تغییر شکل یافته تقسیم می‌شوند. شهرهای نوساز را اغلب شهرهایی تشکیل می‌دادند که نشانه قدرت و وحدت سیاسی امپراتوری اسلامی بودند؛ مانند شهر اولیه بغداد.

مثال ۱۰: در قرون نخستین اسلامی شهر شیراز جزء کدام نوع از شهرها بود؟

- (۱) دسته اول (۲) دسته دوم (۳) دسته سوم (۴) دسته چهارم

پاسخ: گزینه «۳» شهرهای نوساز، دسته دوم بر اثر گسترش قلعه‌های نظامی شکل می‌گرفتند و به تدریج به شهر تبدیل می‌شدند. نوع سوم عبارت بود از ایجاد شهر جدیدی در کنار شهر قبلی؛ مانند کوفه، تهران و شیراز که طرح نخستین شهر شیراز هم دایره شکل بود. نوع چهارم شهرهای جدیدی که پیرامون شهادتگاه یا مزار پیشوایان مذهبی بنا شدند و به تدریج توسعه یافته و حالت شهر بزرگ را گرفتند.

شهرهای تغییر شکل یافته نیز شهرهایی بودند که به وسیله ایجاد مساجد و بناهای جدید یا با انتخاب شدن به‌عنوان دارالاماره توسعه یافته یا دوباره‌سازی شدند؛ مانند اصفهان و ری. شهرسازی و شهرنشینی در امپراتوری اسلامی از قرن سوم هجری قمری گسترش یافته و در قرن ششم بر اثر گسترش سریع بازارهای داخلی و دادوستد خارجی رونق فراوانی یافت. با گسترش رض و برتری اهمیت آن بر شارستان و همچنین توسعه ارتباطات با روستاهای اطراف شهر فتودالی نیز در ایران شکل گرفته و به تکامل رسید.

مثال ۱۱: شهرسازی و شهرنشینی در امپراتوری اسلامی در کدام قرن رونق فراوانی یافت؟

- (۱) قرن سوم (۲) قرن چهارم (۳) قرن پنجم (۴) قرن ششم

پاسخ: گزینه «۴» در قرن ششم بر اثر گسترش سریع بازارهای داخلی و دادوستد خارجی شهرنشینی رونق گرفت.

ب- قرون میانی اسلامی

در قرون میانی اسلامی، در کنار آرامش سیاسی و رونق اقتصادی، شاهد شکوفایی هنر ایرانی به شکل معماری ساختمان‌ها و بناها هستیم. در این دوره شهرهایی مانند اصفهان، ری و جرجان به آبادانی و عظمت رسیدند. احداث شهرهای جدید یا نوسازی آن‌ها در این دوره یکی از وظایف دولت شناخته می‌شد. در این زمان یورش مغول باعث ویرانی بسیاری از شهرها شد و فقط شهرهایی مانند کرمان و شیراز از این گزند مصون ماندند.

مثال ۱۲: بر اثر یورش مغول در قرون میانی اسلامی کدام یک از شهرهای زیر از این گزند مصون ماندند؟

- (۱) تبریز و تهران (۲) ری و خراسان (۳) کرمان و شیراز (۴) اصفهان و یزد

پاسخ: گزینه «۳» شهرهای کرمان و شیراز به دلیل دوری از حمله‌های مغول از ویرانی مصون ماندند.

ج - قرون متأخر اسلامی

روند شهرسازی دوره پس از ورود اسلام به ایران از زمان شاه عباس اول تا شاه سلیمان به اوج و تکامل خود رسید. فعالیت اساسی معماری و شهرسازی از زمان شاه عباس شروع شد. در زمان شاه عباس اول، بازار با جذب امکانات اقتصادی محوری را تشکیل داد که مرکز تمامی فعالیت‌های اجتماعی شده و استخوان‌بندی محله‌ها و قشرهای اطراف به آن به‌عنوان ستون فقرات شهر تکیه می‌کرد. محور رودخانه خط تقسیم‌کننده اقلیت‌های مذهبی از بقیه شهر بود. محور چهار باغ نیز برای ارتباط بخش‌های جدید و مختلف شهر احداث شد. در زمان قاجاریه، گرچه شهرسازی فاقد خصوصیت تمام‌نگری شهرسازی صفویه است اما باز تغییراتی را در وجه پیوند بناها با یکدیگر و در نظام ارتباطی موجب شد. در این زمان تهران به پایتختی انتخاب شد.

کلمه مثال ۱۳: در زمان شاه عباس اول کدام بخش شهر ستون فقرات شهر را تشکیل می‌داد؟

(۱) بازار (۲) مسجد (۳) ارگ (۴) مراکز آموزشی

پاسخ: گزینه «۱» در زمان شاه عباس، بازار با جذب امکانات اقتصادی به‌عنوان ستون فقرات و محور مرکز فعالیت‌ها بود.



نکته ۵: نزول شهرسازی در دوره قاجاریه با درهم‌ریختن سیستم اداری شهرها همراه بود.

انقلاب مشروطیت درحقیقت نقطه پایانی است برآنچه از سیستم اداره شهرها، شهرسازی و سایر فعالیت‌ها برجای مانده بود. پس از مشروطیت، روند شهرسازی وارد مرحله جدیدی شد.

۲- ویژگی‌های ساخت کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی

در دوره اسلامی، توسعه شهرنشینی باعث گسترش حومه (ریض) شهرها شد. مساجد جامع در ارتباط فضایی با بازار و در نزدیکی ارگ یا در ریض ساخته شد. مساجد که مهم‌ترین ویژگی را نصیب شهرهای اسلامی کردند، به‌عنوان ملاک تمایز شهر از ده در شهر جای گرفتند و همراه با ارگ و بازار، عناصر سه‌گانه تمیز و شکل‌دهنده ساخت شهرهای اسلامی را تشکیل دادند. در قرون چهارم و پنجم هم‌زمان با پرجمعیت‌شدن شهرها، رونق بازرگانی و ایجاد مراکز پیشه و هنر اتفاق افتاد و شهر فئودالی در ایران شکل گرفت.

الف - ویژگی‌های سیمای کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی

سیمای شهر عبارت است از تصویر و ترکیبی از شهر که توسط عوامل متعددی شکل گرفته است. عوامل سازنده سیمای خارجی شهرهای ایرانی عبارتند از: ۱- فضاهای سبز: مزارع و باغ‌ها؛ ۲- خط آسمان، یعنی خط و تصویری که توسط حد نهایی فضاهای کالبدی پدید می‌آیند؛ ۳- عناصر مهم کالبدی شهر.

کلمه مثال ۱۴: کدام دوره را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری در ایران دانست؟

(۱) کودتای ۱۳۳۲ (۲) انقلاب سال ۱۳۵۷ (۳) مشروطه (۴) تصویب قانون بلدیة

پاسخ: گزینه «۳» دوره مشروطه به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری به‌شمار می‌رود.

عوامل تشکیل‌دهنده سیمای بیرونی شهرها از نظر کوبین‌لینچ عبارتند از راه، لبه، نشانه، گره و محله. مناره‌ها در شهرهای اسلامی به‌عنوان نشانه‌های هدایت‌کننده مسافران بوده است. عوامل پنج‌گانه مؤثر در سیمای شهرها به‌خوبی قابل تشخیص است؛ در شهرهای کویری و ساحلی ایران آبنبارهای بزرگ بیرون شهرها و بادگیرها به‌عنوان هدایت‌کننده‌های شهری عمل می‌کنند.

محله‌ها، مرزهای اجتماعی و فضایی جداکننده و مستقل گرداننده آن‌ها در شهرهای ایرانی - اسلامی است. نشانه از عوامل مهم در سیمای درونی شهرهای ایران است. این عامل در شکل مناره‌ها و گنبد مساجد قابل دیدن است. گره‌ها محل تقاطع گذرها را نشان می‌دهند.

ب - ویژگی‌های بافت کالبدی شهرهای ایران

شهرهای ایران از لحاظ بافت، ویژگی‌های درونی مشترکی را با یکدیگر دارند. در شمال ایران در ساحل دریای خزر و همچنین در نواحی ساحلی خلیج فارس شاهد بافت‌های گسسته اما متفاوت از هم هستیم. در شهرهایی مثل بندرعباس خانه‌ها با فاصله از یکدیگر قرار دارند تا به ورود گردش باد و نسیم دریا به داخل خانه‌ها امکان بدهند.

بافت هر شهر، نخست، دانه‌بندی فضای کالبدی، یعنی فضاهای خالی و پر و مقدار آن‌ها را نسبت به یکدیگر و چگونگی رابطه و حد نزدیکی بین آن‌ها را مشخص می‌کند؛ دوم، شبکه ارتباطی و نحوه دسترسی‌ها و خصوصیت‌های کلی راه‌ها و کوچه‌ها را آشکار می‌کند؛ سوم، بافت هر شهر می‌تواند گویای چگونگی نحوه توزیع فضایی فعالیت‌ها باشد؛ چهارم، بافت هر شهر نحوه شکل‌گیری و مراحل رشد و توسعه شهر در طول تاریخ را منعکس می‌کند.

۳- فضاها و عناصر اصلی - کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی

عناصر و اجزایی که در شهرهای قدیمی ایران وجود داشته‌اند، در رابطه متقابل با هم دارای یک ارتباط فضایی یکپارچه و به‌هم‌پیوسته‌ای بوده‌اند. فرم معماری شهرها از جنبه فضاهای داخلی‌اش قابل لمس و تشخیص بوده است.

مفاهیم جاری مربوط به فرهنگ غربی از قبیل خیابان، میدان، بنا و غیره را نمی‌توان در مورد شهر اسلامی به کار برد. فقط خصلت‌های عمومی و خصوصی تفکیک‌کننده محیط‌های مختلف شهرهای ایرانی - اسلامی هستند؛ مانند مسجدجامع، مدرسه که بناهای عمومی بوده و امامزاده و مقبره که جنبه خصوصی‌تری دارند.

الف - ارگ و بارو

یکی از عناصر سه‌گانه‌ای که ساخت شهرهای اسلامی را تشکیل می‌داده، ارگ بوده است. ارگ مجموعه‌ای از ساختمان‌ها بود که تشکیلات و سازمان حکومتی شهر را در خود جای داده است.

در شهر فتودالی، ارگ مقر عمده نظامیان را نیز شامل بوده است و شهرهای اولیه از توسعه مناطق اطراف کهن‌دژ به‌وجود می‌آمدند. در شهرهای اداری - نظامی اهمیت ارگ بیشتر می‌شد. در شهرهای ایران، ارگ در ارتباط فضایی با بازار و مسجدجامع قرار داشته است. ارگ در تهران به‌عنوان مرکز سیاست در مجاورت بازار آن قرار داشته است. دروازه‌های شهر از عوامل بسیار مهم و مؤثر در شکل‌گیری راسته‌ها و خیابان‌های شهری در داخل دیوار به‌شمار می‌آمده‌اند.

نکته ۶: حصار جدیدی که در زمان ناصرالدین شاه به دور شهر تهران کشیده شد، علاوه بر جنبه حفظ امنیت به دلیل افزایش جمعیت و توسعه و گسترش روزافزون شهر و کم‌بودن زمین در محدوده شهر بوده که به شکل هشت گوش از حصار قدیم پاریس اقتباس شده است.

مثال ۱۵: حصار جدید تهران که به شکل هشت‌گوش که از حصار قدیم پاریس اقتباس شده بود، در زمان کدام پادشاه کشیده شد؟

- (۱) مظفرالدین شاه (۲) ناصرالدین شاه (۳) آغامحمدخان قاجار (۴) رضاشاه

پاسخ: گزینه «۲» در زمان ناصرالدین شاه به دلیل افزایش جمعیت و توسعه شهری حصار جدید تهران شکل گرفت.

مثال ۱۶: کدام عامل در تمایز شهر از ده در زمان خلافت بنی‌امیه و بنی‌عباس نقش محوری داشته است؟

- (۱) ارگ (۲) دارالخلافة (۳) مقر حکومت (۴) مسجدجامع

پاسخ: گزینه «۴» مسجد در دوره‌های حکومت بنی‌امیه و عباسیان، مهم‌ترین وجه تمایز شهر از ده بود و مسجدجامع مشخص‌کننده موقعیت شهری در اجتماع‌های اسلامی بود.

مثال ۱۷: مساجد در کدام دوره تاریخی در کنار شهرها بنا می‌شدند؟

- (۱) سلجوقیان (۲) آل بویه (۳) اعراب (۴) طاهریان

پاسخ: گزینه «۳» مسجد در دوره‌های عباسی و اموی مهم‌ترین وجه تمایز شهر از روستا و ده بود. در زمان هجوم اعراب مساجد در کنار شهرها بنا می‌شدند.

مسجد در شهر به‌عنوان مهم‌ترین بنای عمومی تلقی شده و در تفکرات شهرسازی اسلامی، نقش عامل زیربنایی را ایفا می‌کند. در زمان هجوم اعراب، مساجد ابتدا در کنار شهرها بنا شدند. تا اینکه در طول زمان به‌گونه‌ای تازه، قلب شهرها پذیرای آن‌ها شد. مسجدجامع به‌عنوان مهم‌ترین نقطه عطف، در ارتباط فضایی متقابل با بازار قرار داشته است.

نکته ۷: در شهرهای ایران مسجدجامع از یک سو در ارتباط مستقیم با بافت مسکونی قرار داشته و از سوی دیگر، در ارتباط با بافت تجاری - بازرگانی و خدماتی بوده است.

گاه نیز در ارتباط یا در تقابل با مرکز حکومتی ایفای نقش می‌کرده است. پیش از اسلام، دو عامل مهم اداری و مذهبی موجب پیدایش فضاهای آموزشی شد. اغلب مدارس بزرگ در امتداد یا جوار بدنه بازار و راسته‌های اصلی شهر احداث می‌شدند.

ایجاد مدارس از قرن چهارم به بعد در شهرهای ایرانی اهمیت پیدا کرد. جنبه مذهبی این مدارس که خصوصیت مهم آن‌ها بود، باعث شد تا عاملی مهم برای تعیین موقعیت آن‌ها در شهر باشند.

ب - بازارها

بازارها از مهم‌ترین اجزای شهرهای تولیدی - بازرگانی بوده‌اند و نقش به‌سزایی در رشد و توسعه شهرها بر عهده داشتند. هسته اولیه اغلب بازارها در نزدیکی یکی از پررفت‌وآمدترین دروازه‌های شهر تشکیل می‌شد، این هسته ابتدا در ربض و پشت دروازه شهر شکل گرفته و به‌تدریج به داخل شهرستان کشیده می‌شد.

گسترش شهر از طریق مهم‌ترین راه‌های ارتباطی شهر انجام می‌گرفت. مرکز شهر را در زمان سلجوقی، بازار تشکیل می‌داده است. بازارها اغلب دارای رشد خطی بوده‌اند. بازار به‌عنوان مظهر کامل بنیاد مدنی محسوب می‌شود. ویژگی بازار در ایران، پیچیدگی نقش آن و ادغام وظایف گوناگون در یک فضای معماری واحد است. معماری بازار شهرهای مختلف ایران بر حسب پیروی از شرایط سرزمینی، اقلیمی و جغرافیایی متنوع بوده است. بازارچه‌های قدیمی مناطق ساحلی جنوب ایران به دلیل شرایط اقلیمی و بارندگی فاقد سقف آجری است. عمومی‌ترین محورهای ارتباطی در بافت سنتی راسته بازار بوده است. راسته‌های شهری که رابطه بین دروازه‌های شهر بودند، ترافیک عبوری شهر را به عهده داشتند. از این طریق ارتباط آسان با سایر شهرها ممکن می‌شد. علت عمده استقرار بازار در راسته شهری نیز قرارگیری در همین مسیر ارتباطی بود. راسته بازارها در محلی به هم می‌رسند که به چهارسوق معروف است.

کج مثال ۱۸: فضای باز با طاق‌های بلند و معماری پرشکوه و محل حجره تاجران بزرگ یا ضرابخانه کدام عنصر معماری را در عصر گذشته توصیف می‌کند؟

- (۱) میدان (۲) چهارراه (۳) دیوان (۴) چهارسوق

پاسخ: گزینه «۴» چهارسوق معمولاً فضایی باز با طاق‌های بلند و معماری پرشکوه و محل حجره تاجران بزرگ یا ضرابخانه است. قیصریه محل عرضه و فروش پارچه‌های گران‌قیمت و اجناس زینتی بوده و بهترین نقطه بازار را تشکیل می‌داد. در لار چهار دالان طولانی استخوان‌بندی اصلی بازار را می‌سازند. بازار قیصریه لار سرمشقی برای ساختن سایر بازارهای ایران بوده و از روی طرح این بازار، بازارچه بلند اصفهان سپس در دوره زندیه بازار وکیل بنا شد.



نکته ۸: بازار شیراز کامل‌ترین و مجهزترین و همچنین جالب‌ترین بازار ایران از نظر سبک معماری است و می‌توان اولین طرح جامع شهرسازی را در اصفهان مشاهده کرد.

کج مثال ۱۹: در زمان سلجوقی مرکز شهر را چه بخشی تشکیل می‌داد؟

- (۱) مسجد (۲) ارگ (۳) بازار (۴) مدارس

پاسخ: گزینه «۳» بازار در دوره سلجوقی مهم‌ترین بخش و عنصر شهر را تشکیل می‌داد.

کج مثال ۲۰: معماری بازار کدام شهر سرمشقی برای ساختن سایر بازارهای ایران بوده است؟

- (۱) شیراز (۲) لار (۳) تبریز (۴) اصفهان

پاسخ: گزینه «۲» بازار قیصریه لار سرمشقی برای ساختن سایر بازارهای ایرانی بوده است.

کاروانسراها

کاروانسراها را از نظر عملکرد و نحوه استفاده می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: کاروانسراهای مابین شهرها، کاروانسراهای بیرون حصار شهر و کاروانسراهای شهری؛ دارای معماری، اجزا و فضاهای بهتری نسبت به بقیه بود. از زمان صفویه ایجاد کاروانسراها شدت یافت و رونق بیشتر و اهمیت ویژه‌ای نصیب آن‌ها شد. کاروانسراهای شهری به دو دسته تقسیم می‌شوند: کاروانسراهایی که در بازار قرار داشتند و به آن‌ها تیمچه نیز می‌گفتند که این تیمچه‌ها محل اقامت دائمی بازرگانان بودند؛ دسته دوم شامل کاروانسراهایی در خارج بازارها بود.

نکته ۹: تیمچه همراه تیم غالباً در قلب بازار واقع شده و مرکز فعالیت‌های تجاری و اقتصادی شهر را تشکیل می‌داده است.

محله‌های مسکونی

محله مفهومی است از مسکن در رابطه با نیازهای گروهی متجانس از نظر صنفی و ضوابط اجتماعی. واحدهای مسکونی اغلب دارای مدخل ورودی L شکل بوده‌اند، تا از دید جلوگیری کنند.

عنصر اصلی و مشترک مراکز محله‌ها، مسجد و بازارچه بوده است.

پیوند رشته فضایی میان عناصر مجموعه: مرکز شهر، مراکز محله‌ها از طریق رشته فضاها و عناصر ارتباط‌دهنده، گذر اصلی و میدان، تکیه یا حسینیه، اصل پایه سازمان کالبدی شهرهای قدیمی ایران را تشکیل می‌داده است.

شکل‌گیری محله‌ها به تبعیت از جوی‌های آب، مسیر قنات‌های قدیمی یا در دنباله راه‌های قدیمی در بسیاری از شهرها وجود داشته است.

ج) شبکه معابر

فضا و عناصر مختلف شهرها توسط شبکه راه‌ها و ارتباطات به همدیگر متصل شده و شهروندان از طریق شبکه‌های ارتباطی به شهر، تحرک و جنب‌وجوش می‌بخشند. شبکه‌های آبرسانی و مورفولوژی شهرها و روستاها را در ایجاد محله‌ها و بافت‌های جدید تعیین می‌کرده‌اند. درون هسته اولیه شهرهای ایران، شکل‌گیری معابر از شبکه‌های آبرسانی پیروی نمی‌کرده است بلکه برحسب عوامل دفاعی، نبودن قوانین مکتوب و حاکم، پیروی از اصل محرمیت و ... بافت پیچیده و درهمی را داشتند.

نکته ۱۰: پل وارد انگلیش دو عامل ابهام قوانین و اهمال حکام شهر را در پیچ‌درپیچ شدن کوچه‌های کرمان مؤثر دانسته است.

مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری خیابان‌ها و کوچه‌ها در یزد را باید از شبکه‌های کانال‌های آبیاری دانست. در اصفهان مادی‌ها یا جوی‌های آب، نقش اساسی در شکل و جهت‌یابی کوچه‌ها و معابر داشته‌اند.

امس راپاپورت، شهرهای غربی را مرکز تحول و شهرهای چین و ایران را مراکز ثبات می‌داند. شهرهای قدیمی ایران دارای سلسله‌مراتبی از شبکه‌های ارتباطی و معابر بوده‌اند.

نکته ۱۱: هشتی در سلسله‌مراتب ارتباط‌های شهری، کوچک‌ترین سلول بافت سنتی است که به‌عنوان یک فضای مشترک پاسخگوی نیازهای

ارتباطی افرادی بود که به‌عنوان اعضای خانواده، خویشاوند یا همسایه با یکدیگر رابطه داشتند.

در تلاقی چند کوچه، فضاهای بازی وجود داشته که پاتوق ساکنان کوچه بود که گذر نامیده می‌شدند. کوچه‌ها به محورهای ارتباطی بزرگ‌تری متصل می‌شدند که راسته محله نام داشتند. راسته محله‌ها عمومی‌ترین فضاهای ارتباطی در محله‌ها بودند.

راسته بازارها درحقیقت پیوند فضایی میان بخش‌های مختلف یک شهر را برقرار می‌کردند و عمومی‌ترین محورهای ارتباطی در بافت سنتی شهرها بوده‌اند.

د - سایر فضاها و عناصر شهری

از شهرهای ایران به‌عنوان باغ‌شهرها و خانه‌های شناور در باغ‌ها و فضاهای سبز نام برده‌اند؛ مانند تبریز، شیراز و اصفهان. در برنامه‌ریزی‌های شهری اوج باغ‌شهرسازی در سمرقند و اصفهان دوره شاه‌عباس اول بوده است. آب‌انبارها قلب شهرهای حاشیه کویر و منطقه‌های کم‌باران ایران مانند یزد را تشکیل می‌دهند.

کلمه مثال ۲۱: در شهرهای قدیمی ایران کدام عامل مورفولوژی شهرها و روستاها را در ایجاد محله‌ها و بافت‌های جدید تعیین می‌کرده است؟

- (۱) شبکه ارتباطی (۲) شبکه‌های آبرسانی (۳) راسته بازارها (۴) راسته محله‌ها

پاسخ: گزینه «۲» شبکه آبرسانی و وجود منابع هیدرولوژی تعیین‌کننده بافت شهرها و روستاها بوده است.

کلمه مثال ۲۲: کدام یک از عناصر زیر عمومی‌ترین محورهای ارتباطی در بافت سنتی شهرها بوده‌اند؟

- (۱) راسته محله‌ها (۲) گذر اصلی (۳) کوچه‌ها (۴) راسته بازارها

پاسخ: گزینه «۴» عمومی‌ترین محور ارتباطی در بافت سنتی شهرها راسته بازارها هستند.

کلمه مثال ۲۳: یکی از نشانه‌های اصلی شهرهای حاشیه کویر و مناطق کم‌باران را کدام عنصر تشکیل می‌داد؟

- (۱) آب‌انبار - بادگیرها (۲) شبکه کانال‌های آبیاری (۳) بادگیر (۴) حمام عمومی

پاسخ: گزینه «۱» وجود آب‌انبار و بادگیر به دلیل کمبود منابع آبی و گرمای بیش از حد، نشانه اصلی شهرهای کویری است.

کلمه مثال ۲۴: امس را پایتخت شهرهای ایران را مرکز چه چیزی می‌دانست؟

- (۱) مراکز ثبات (۲) مراکز تحول (۳) مراکز تولیدی (۴) مراکز سیاسی و نظامی

پاسخ: گزینه «۱» امس را پایتخت شهرهای ایرانی و چینی را مراکز ثبات می‌دانند.

کلمه مثال ۲۵: چرا درون هسته اولیه شهرهای ایران شکل‌گیری معابر از شبکه‌های آبرسانی پیروی نمی‌کرده است؟

- (۱) عامل دفاعی (۲) عدم کشاورزی پیشرفته (۳) بافت شهری (۴) کمبود آب

پاسخ: گزینه «۱» در درون هسته اولیه شهرهای ایرانی به دلیل نبود قوانین، عوامل امنیتی و دفاعی پیروی از اصل مناسب‌سازی اصول ارتباطی، شکل معابر با شبکه آبرسانی تفاوت داشت.

کلمه مثال ۲۶: مادی‌ها و جوی‌های آب نقش اساسی در شکل و جهت‌یابی کدام شهر داشتند؟

- (۱) تبریز (۲) اصفهان (۳) یزد (۴) همدان

پاسخ: گزینه «۲» در اصفهان مادی‌ها یا جوی‌های آب نقش اساسی در شکل‌دهی به معابر داشتند.

کلمه مثال ۲۷: کدام یک از شهرهای زیر در حکم باغ‌شهر است؟

- (۱) تهران (۲) رشت (۳) تبریز (۴) آمل

پاسخ: گزینه «۳» شهرهایی مانند تبریز، اصفهان و شیراز به‌عنوان باغ‌شهر محسوب می‌شوند.

شهر و برنامه‌ریزی شهری در ایران؛ مرحله تحول و دگرگونی

رشد شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در غرب، نتیجه تغییرات اساسی در نهادهای اقتصادی، اجتماعی و انقلابی عظیم در صنعت و تکنولوژی بود. شاید بتوان شروع تحولات در روند شهرنشینی و شهرسازی در ایران را از دوره مشروطیت دانست. آغاز دگرگونی‌های شدید و تأثیرپذیری از رشد سرمایه‌داری را می‌توان از اوایل حکومت پهلوی دانست. از دهه ۱۳۰۰ به بعد، شهرهای ایران تغییرات کالبدی چشمگیری را دید. ورود اتومبیل به شهرهای ایران، فعالیت‌های تجاری را به کنار خیابان کشاند؛ این کار سهولت حمل‌ونقل و توزیع کالا را نسبت به بازار فراهم می‌کرد. نقش بازار با احداث خیابان‌ها و ایجاد مراکز تجاری در کنار آن‌ها و رواج تولیدات کارخانه‌ای تضعیف شده و نظام محله‌ای درهم شکست. مفهوم منطقه شهری در پی رواج تولیدات کارخانه‌ای و مصرفی در شهر و روستا از بین رفت. اقدام‌های شهرسازی اولیه حکومت پهلوی که عبارت بود از تحمیل الگوی مشبک خیابان‌کشی در بافت قدیمی شهرها به‌تدریج به شکل قوانین نوسازی و بهسازی درآمد.

کدام یک از عوامل زیر باعث از هم پاشیدگی بافت قدیمی شهرها شد؟

- (۱) شروع جنگ جهانی دوم (۲) ورود اتومبیل (۳) اصلاحات فیزیکی (۴) ورود صنعت

پاسخ: گزینه «۲» ورود اتومبیل باعث شد تا شبکه معابر تغییر پیدا کند و بافت قدیمی شهرها دچار از هم پاشیدگی شود.

بازار کدام یک از شهرهای زیر به دلیل تنوع و گوناگونی عرضه محصولات در مقابل تغییرات کالبدی و خیابان‌کشی‌های جدید مقاومت کرد؟

- (۱) تبریز (۲) شیراز (۳) اصفهان (۴) بوشهر

پاسخ: گزینه «۳» اصفهان به دلیل منسجم بودن بازار در مقابل تغییرات کالبدی مقاومت کرد.

مراحل رشد و توسعه فضایی شهرهای ایران

در طول مراحل زمانی مختلف، تغییر و تحولاتی در بافت شهرها اتفاق افتاده است که همراه یا به دنبال آن بافت‌های تازه‌ای به دور بافت‌های قبلی و قدیمی ایجاد شده است؛ به‌طور کلی روند رشد و توسعه شهری در ایران در هفت مرحله قابل مطالعه و بررسی است.

۱- بافت تاریخی؛ ایجاد و گسترش هسته اولیه شهرها:

هسته اولیه هر شهر بافت تاریخی است. قلعه یا ارگ و آنچه به‌عنوان پایه‌گذار یک شهر جدید، در زمان‌های پیش‌ساخته شده می‌تواند نام بافت تاریخی به خود بگیرد. همچنین شهرهایی که به دلایلی مورد توجه واقع شده و به واسطه کسب این موقعیت دارای ارگ و برج و بارو می‌شوند بافت تاریخی را در چنین محدوده‌ای داشتند. هسته اولیه شهرهایی چون تهران، اصفهان، یزد و دزفول چنین ویژگی‌هایی داشته‌اند. در بافت تاریخی شهرها معمولاً ساختمان‌های قدیمی و بناهای بسیار بالارزش و هسته اولیه بازارها قرار دارد؛ علاوه بر بافت تاریخی شهرها که اغلب در ارگ شکل گرفته بودند، شارستان و روضه نیز به‌مثابه فضاهای شهری در اطراف روستاها، باغ‌ها و مزارع را دربرمی‌گرفت.

نکته ۱۲: تاریخ ایجاد و شکل‌گیری بافت تاریخی شهرهای ایرانی از دوره باستان به بعد است.

بافت تاریخی دزفول در زمان ساسانیان شکل گرفت. بازار آهنگران شهر نیز در ورودی یکی از دروازه‌های آن به‌وجود آمد. بافت تاریخی بوشهر در زمان افشاریه بنیان گذاشته شد. بافت تاریخی شهرهایی چون تهران، اصفهان و شیراز در دوره پس از ورود اسلام به ایران ایجاد شد.

کدام یک از عوامل زیر باعث از هم پاشیدگی بافت قدیمی شهرها شد؟

- (۱) بافت تاریخی (۲) بافت قدیمی (۳) بافت میانی (۴) بافت جدید

پاسخ: گزینه «۱» گسترش شهرها معمولاً در بافت تاریخی شهرها شکل می‌گرفت.

۲- بافت قدیمی؛ شکل‌گیری شهر ایرانی - اسلامی

هسته اولیه شهرها که بافت قدیمی به دور آن تشکیل می‌شد، اغلب در محل تقاطع راه‌های قدیمی و باستانی مانند تهران، یزد، کرمانشاه و نجف‌آباد یا در نزدیکی نقاط بااهمیت مثل پل‌ها و رودخانه‌ها و ... مانند دزفول و اهواز به‌وجود آمد. پس از آن بافت قدیمی به دور آن و به تبعیت از جهات رشد موجود مثل جاده‌های ارتباطی رشد کرده است.

کدام یک از عوامل زیر باعث از هم پاشیدگی بافت قدیمی شهرها شد؟

- (۱) قدیمی (۲) تاریخی (۳) جدید (۴) پیرامونی

پاسخ: گزینه «۱» بافت قدیمی، بافتی است که به دور هسته اولیه شهرها یا بافت تاریخی تنیده شد و انتهای مرحله زمانی شکل‌گیری این بافت به اواخر دوره قاجار می‌رسد؛ یعنی قبل از تغییرات و دگرگونی‌های جدیدی که از اوایل حکومت پهلوی شروع شد.

بافت قدیمی شهرها نشان‌دهنده نظام اجتماعی خاصی است که در قدیم وجود داشته است. این بافت از اوضاع طبیعی - اقلیمی و سرزمینی تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر گرفته و خود را با شرایط زمانی و مکانی وفق داده است. از نظر سبک معماری تا این دوره ویژگی‌های معماری اصیل ایرانی حاکم بوده است. بافت قدیمی در طول زمانی طولانی و براساس تجارب گذشتگان، روند تکاملی خود را طی کرده است و در زمان شکل‌گیری این بافت، بازارها نیز توسعه یافته و به راسته‌ها و قسمت‌های فرعی تقسیم شدند. به واسطه وجود بازار، مراکز دولتی و مسجدجامع در این بافت اهمیت آن در دوره بعدی نیز حفظ شد. وجود چنین مرکزی در اغلب شهرها باعث جای‌دادن تعدادی از اداره‌ها و مراکز سیاسی در زمان‌های بعد و در جوار آن‌ها شد؛ به همین سبب اکثر شهرهای ایرانی دارای ساخت متحدالمرکز هستند، مانند تبریز، اصفهان، اردبیل و تهران. وجود این ساخت متحدالمرکز باعث گسترش هسته‌ای شهرها به دور منطقه مرکزی شد. در حال حاضر، این بافت روزبه‌روز فرسوده‌تر شده و به‌عنوان مناطقی مشکل‌زا در شهرسازی‌های جدید جلوه می‌کنند.

۳- بافت میانی؛ رشد آرام شهرها و شروع تغییرات کالبدی در آن‌ها

با شروع شهرسازی‌های دوره جدید، بافت تازه‌ای گرداگرد بافت قدیم تشکیل شد. این بافت که بافت میانی نامیده می‌شود، با رشدی آرام، هسته تاریخی و بافت قدیمی شهر را دربرگرفت. مرحله زمانی تشکیل این بافت را می‌توان از سال ۱۳۰۰ تا اوایل دهه ۴۰ دانست. البته تعدادی از شهرها به‌رغم داشتن خصوصیت‌های مشابه در کیفیت تغییر و تحولات انجام‌شده در آن‌ها این مرحله یا سایر مراحل بعدی را دیرتر از شهرهای دیگر طی کرده‌اند. همزمان با شکل‌گیری بافت میانی شهرها، تغییرات جدیدی نیز در بخش قدیمی شهرها صورت گرفت. خیابان‌کشی‌های جدید اولین نمودهای شهرسازی جدید هستند. به دنبال آن لبه خیابان‌ها تغییر شکل داده و ساختمان‌های تازه‌ای ساخته شد و اما قسمت عقب دست‌نخورده باقی ماند. مرحله تخریب بافت قدیمی با ایجاد میدانی در مرکز شهرها و خیابان‌های عمودبرهم، به شکل به‌علاوه (+) شروع شد. تعادل زیست‌محیطی بین سطح زیرساخت‌های شهری و مزارع و باغ‌ها که تا دوره قبل برقرار بود، در این دوره نیز تقریباً حفظ شد. از خصوصیت‌های بافت میانی در داخل شهرها، پهن‌تربودن کوچه‌ها، وجود نشانه‌هایی از خیابان‌بندی‌ها و همچنین ایجاد درختکاری‌ها و پیاده‌روها و ایجاد ناماسازی در لبه خیابان‌ها است. در بافت میانی اداراتی به سبک جدید ایجاد شد. نقشه این بافت به نسبت کوچه‌های پیچ‌درپیچ بافت قدیمی نظمی ظاهری را به‌نمایش می‌گذارد. بسیاری از ویژگی‌های معماری و شهرسازی این بافت مشابه بافت قدیم اما با مصالح نسبتاً جدید بود. از خصوصیت‌های بافت میانی در داخل شهرها، پهن‌تربودن کوچه‌ها، وجود نشانه‌هایی از خیابان‌بندی‌ها و همچنین ایجاد درختکاری‌ها و پیاده‌روها و ایجاد ناماسازی در لبه خیابان‌هاست. بافت میانی در طول رشد اغلب نیمه‌ارگانیک خود به پیروی از مسیرهای آبیاری و نحوه تقسیم مزارع و باغ‌ها شکل گرفت.

کتاب مثال ۳۲: کدام یک از موارد زیر از خصوصیت‌های بارز بافت میانی داخل شهرهای ایران نیست؟

- (۱) پهن‌تربودن کوچه‌ها (۲) ایجاد درختکاری‌ها (۳) ایجاد میدانی در مرکز شهر (۴) ایجاد ناماسازی در لبه خیابان‌ها
- پاسخ: گزینه «۳» از خصوصیت‌های بافت میانی در داخل شهرها، پهن‌تربودن خیابان‌ها و کوچه‌ها، وجود نشانه‌هایی از خیابان‌بندی‌ها و همچنین ایجاد درختکاری‌ها و پیاده‌روها و ایجاد ناماسازی در لبه خیابان‌هاست؛ در حالی که در بافت قدیمی با ایجاد میدانی در مرکز شهرها و خیابان‌های عمودبرهم به شکل (+) مرحله تخریب شروع می‌شد.

نکته ۱۳: این بافت طی رشد اغلب نیمه‌ارگانیک خود به پیروی از مسیرهای آبیاری و نحوه تقسیم مزارع و باغ‌ها شکل گرفت. در این دوره در مناطق بیرون شهر، کارخانه‌ها، پادگان‌ها، ایستگاه‌های راه‌آهن و فرودگاه‌ها ایجاد شدند.

کتاب مثال ۳۳: رشد آرام شهرها و شروع تغییرات کالبدی در آن‌ها مربوط به کدام مرحله تحول و دگرگونی در فضای شهری ایران است؟

- (۱) بافت قدیم (۲) بافت تاریخی (۳) بافت میانی (۴) بافت جدید
- پاسخ: گزینه «۳» بافت میانی با شروع شهرسازی‌های دوره جدید شکل گرفت که تغییرات کالبدی در آن دوره صورت گرفته است. این تأسیسات به موازات راه‌های ارتباطی و نزدیک شهر شکل گرفتند. در شهرهای بزرگی چون تهران می‌توان شاهد رواج سبک‌های مختلف معماری غربی بود.

۴- بافت جدید؛ رشد شتابان شهرسازی و گسترش بی‌رویه شهرها

از دهه ۱۳۴۰ تا ۵۰، بافتی دیگر در بعضی از شهرهای ایران شکل می‌گیرد که بافت جدید نام دارد. با شدیدتر شدن تغییر و تحولات در اوضاع اجتماعی و اقتصادی کشور، بافت جدیدی به دور بافت قبلی شهرها شکل گرفت. اقدامات عمرانی در شهرها مانند خیابان‌کشی و آسفالت کوچه‌ها و معابر، لوله‌کشی شهرها، ایجاد ساختمان‌ها و اداره‌های جدید، پارک‌ها و... به تشدید فعالیت‌های ساختمان‌سازی توسط بخش خصوصی منجر شد. افزایش مهاجرت به شهرها نیز خود عامل دیگری در بالا رفتن رشد جمعیت شهری و افزایش ساخت‌وسازهای داخل شهرها بود. افزایش آپارتمان‌سازی، تشدید روند ایجاد کارخانه‌ها و تأسیسات صنعتی، رواج شدید بورس‌بازی زمین، تشدید شیب اجتماعی و طبقاتی در شهرها و گسترش حاشیه‌نشینی از دیگر ویژگی‌های شهری در این دوره‌اند. با گسترش سریع شهرها و افزایش رشد شهرنشینی، سطح بسیار زیادی از اراضی اطراف شهرها به زیر ساختمان رفته و تعادل زیست‌محیطی بین سطح شهر و باغ‌ها و اراضی کشاورزی به‌هم خورد. گسترش فیزیکی شهرها بدون برنامه و بدون هیچ نظارت و کنترلی از طرف سازمان‌های دولتی صورت گرفت. بین کاربری اراضی شهری عدم تعادل و توازن برقرار شده و قسمت زیادی در سطح زیرساخت شهرها به ساختمان‌های مسکونی و شبکه‌های معابر اختصاص یافت. با توسعه شهرها، شبکه‌های جدید ارتباطی داخل شهری ساخته شده و سایر معابر و خیابان‌ها عریض شدند. مناطق مسکونی و شهری به دنبال جاده‌ها گسترش یافته و به‌تدریج بافت پیوسته شهر تبدیل به بافت گسسته شد. یکپارچگی کالبدی از بین رفته و بخش‌هایی از شهرهای بزرگ به صورت نواحی اقماری، حومه‌ای و شهرک‌ها در اطراف شهرها شکل گرفتند اما این توسعه ناپیوسته بدون برنامه‌ریزی و کنترل صورت گرفت؛ به همین دلیل با پیشی گرفتن رشد جمعیت شهری بر شهرسازی‌ها و همچنین عقب‌ماندن طرح‌های شهری نسبت به افزایش جمعیت مشکلات بسیاری پدید آمد؛ یکی از نتایج این امر، ایجاد فوق‌تمرکز در نواحی تجاری و خدماتی مرکز شهرها بود این نواحی مرکزی که اغلب در بافت‌های قدیمی قرار داشتند، در زیر فشار سنگین فرسوده شدند.

کج مثال ۳۴: اکثر شهرهای ایران دارای چه نوع ساخت شهری هستند؟

- (۱) ساخت قطاعی (۲) ساخت شعاعی (۳) ساخت متحدالمرکز (۴) ساخت چندهسته‌ای

پاسخ: گزینه «۳» اکثر شهرهای ایرانی به دلیل شرایط طبیعی به صورت متحدالمرکز ساخته شده‌اند.



کج مثال ۳۵: افزایش آپارتمان‌سازی، تشدید روند ایجاد کارخانه‌ها و تأسیسات صنعتی، رواج شدید بورس‌بازی زمین و غیره از ویژگی‌های کدام بافت شهری است؟

- (۱) قدیمی (۲) میانی (۳) جدید (۴) پیرامونی

پاسخ: گزینه «۳» بافت جدید به دلیل رشد شتابان و گسترش بی‌رویه شهرها دچار آسیب‌هایی چون افزایش آپارتمان‌نشینی، بورس‌بازی و ... شد.



۵- بافت پیرامونی؛ گسترش شهرک‌سازی

این بافت نیز از دهه ۵۰ تا ۶۰، به دور بافت قبلی ایجاد شد. با افزایش جمعیت شهرها و مهاجرت شدید روستاییان به شهرها، نیاز به مسکن و خدمات شهری افزایش یافته و قیمت زمین به شدت بالا رفت. مهاجران فقیر که به دنبال سرپناهی برای سکونت بودند، به نقاط پست داخل یا خارج شهر روی آوردند. بسیاری در پشت دروازه‌های شهرها مستقر شده و شهرک‌های خودرو و بی‌برنامه را تشکیل دادند.

کج مثال ۳۶: چه عواملی سبب شکل‌گیری نقشه شهرها به صورت خطی - شعاعی شد؟

- (۱) ساخت کارخانه‌ها (۲) ایجاد معادن (۳) راه و راه‌سازی (۴) شهرک‌های جدید

پاسخ: گزینه «۴» از سوی دیگر، به دنبال ایجاد کارخانه‌های متعدد و ایجاد اداره‌های گوناگون در شهرهایی چون تهران، نیاز به ایجاد شهرک‌ها و محله‌ها برای اسکان کارگران و کارکنان کارخانه‌ها و اداره‌ها احساس شد؛ به همین سبب شهرک‌سازی‌ها و ایجاد مجتمع‌های مسکونی اداری و کارگری و محله‌ها جدا از شهرها ولی وابسته به آن شدت گرفت. این مناطق که از دهه ۵۰ به بعد شکل گرفتند، درحقیقت نقش خوابگاهی داشته و وابسته به شهر مادر بودند؛ به همین سبب فشار بسیاری را برای کسب مایحتاج روزانه و خدمات شهری مورد نیاز روی کالبد شهر مادر آوردند. گسترش شهرها در این دوره به موازات جاده‌های ارتباطی صورت گرفت. این امر به شکل‌گیری نقشه شهرها به صورت خطی - شعاعی دامن زد.



۶- بافت اقماری؛ گسترش ناپیوسته شهر

این بافت که از دهه ۶۰ تا اوایل دهه ۷۰ شکل گرفت، شامل ایجاد شهرک‌های گوناگون در اطراف شهرهای بزرگ بود. شهرک‌ها و نقاط جمعیتی یا گسترش‌یافته در این دوره در اطراف شهری چون تهران به سه دسته قابل تقسیم هستند: دسته اول، شهرک‌های اقماری و خوابگاهی هستند که در زمین‌های بایر، توسط دولت یا بخش خصوصی ساخته شدند. این شهرک‌ها از امکانات کافی برای زندگی بی‌بهره‌اند؛ دسته دوم، شامل مناطقی می‌شده که با تغییر شکل روستاها و نقاط جمعیتی اطراف شهرهایی چون تهران به صورت شهرک‌ها و نقاط مسکونی و تأسیسات و تجهیزات شهری لازم ایجاد شدند؛ دسته سوم، نیز عبارت بود از توسعه بی‌رویه و بدون برنامه روستاها و نقاط جمعیتی اطراف شهرها به همان شکل و صورت روستایی اولیه.

نکته ۱۴: بسیاری از شهرک‌ها به منظور امکان حضور شاغلان در شهر بزرگ شکل گرفتند. ایجاد این شهرک‌ها اغلب بدون برنامه‌ریزی به منظور در نظر گرفتن امکانات کافی بوده، تنها به صورت مجتمع متراکمی از جمعیت شناخته شده‌اند. شهرک‌های اطراف کرج یا شهرک‌های اطراف تهران از این جمله‌اند.

رشد سریع این شهرک‌ها و رواج ساخت‌وسازهای بدون برنامه و اسکان جمعیت مهاجر، منجر به پیدایش یا دامن‌زدن به مشکلات بسیاری شد. عدم تعادل بین فضاهای شکل‌گرفته، شیوع مسائل اجتماعی، روحی و روانی ناشی از تقابل بین فرهنگ‌ها و سنن از جمله این مشکلات هستند.

کج مثال ۳۷: کدام یک از بافت‌های شهری زیر در طول دوره زمانی دهه ۶۰ تا اوایل دهه ۷۰ شکل گرفت؟

- (۱) بافت جدید (۲) بافت پیرامونی (۳) بافت قدیمی (۴) بافت اقماری

پاسخ: گزینه «۴» بافت اقماری به دلیل گسترش ناپیوسته شهر در دهه ۶۰ شکل گرفت.



۷- گسترش متروپلی شهر به همراه ایجاد شهرهای جدید

رشد سریع شهرهای بزرگ چون تهران، پیدایش شهرک‌های خودرو و متراکم‌شدن شهرهای کوچک و متوسط اندام اطراف این شهرها، به پیدایش شبکه شهری گسترده‌ای منجر شد. این شکل از گسترش که بی‌شابهت به رشد متروپلی نیست، به سبب نبود برنامه، نظارت و کنترل منجر به پیدایش مشکلات بسیاری در سطوح شهری، منطقه‌ای و کشوری شد. جذب امکانات سرمایه‌ها و منابع کشور توسط این مناطق، به هم‌خوردن تعادل زیست‌محیطی، رواج نابه‌هنجاری‌های اجتماعی و ... بازتاب‌هایی از گسترش خودرو و بی‌رویه هستند. شهرمادر که ناتوان در ارائه خدمات، تسهیلات و شغل به تازه‌واردان و جمعیت در حال رشد است، روزبه‌روز متراکم‌تر شده و به حالت انفجاری نزدیک‌تر می‌شود؛ در مقابل شهرک‌ها و نقاط جمعیتی خودرو در جواب به ناتوانی



مدرسان شریف

فصل هفتم

«اصول و روش‌های برنامه‌ریزی مجتمع‌های زیستی»

مقدمه

ادامه روند مداوم افزایش جمعیت جهانی، مسئله آلودگی‌های محیطی، به‌خطراتان سلامت انسان‌ها و تردید در تأمین نیازهای نسل‌های آینده موجب شده تا مهم‌ترین مسائل در برنامه‌ریزی‌های مجتمع‌های زیستی سنجش پایداری و ناپایداری سکونتگاه‌های انسانی باشد. بر همین اساس، برنامه‌ریزی توسعه پایدار با تأکید بر مؤلفه‌های اکولوژیک به‌عنوان راهکار اصلی برای برون‌رفت از مشکلات کنونی جامعه جهانی به‌طور جدی مطرح است.

نکته ۱: بدیهی است برخورد عقلایی و مسئولانه با ساخت و توسعه شهرها، برنامه‌ریزی‌های مجتمع‌های زیستی شهرهای بزرگ و کوچک را می‌تواند در مسیر مطلوب هدایت کند تا مانع ادامه آسیب‌های محیطی و توسعه‌های غیرمسئولانه و حریصانه، مضر بر سلامت انسان و نسل‌های آینده و محیط‌زیستی شود.

در همین رابطه بوم‌شهرها به‌عنوان الگوهای نمونه شهرهای اکولوژیک با اهداف و معیارهای تأمین‌کننده توسعه پایدار برای مجتمع‌های زیستی مطرح شده‌اند که در بخش پایانی این کتاب با آن بیشتر آشنا خواهیم شد.

با توجه به مباحث جدید مطرح‌شده و از طرفی با گرایش‌بندی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و تخصصی‌شدن آن نیاز است داوطلبان به سمت منابع تخصصی‌تر روی آورده و به مباحث هر گرایش تسلط کافی داشته باشند. در گرایش مسکن و محیط‌زیست شهری مباحث این مبحث هرچند کوتاه می‌تواند کلیدی برای سرآغاز موفقیت باشد.

مبدأ شهرها

نکته ۲: امکان تجزیه و تحلیل و اخذ تصمیم صحیح به‌طور کلی به وجود نظریه‌ای معتبر بستگی دارد.

حجم مطالعات انجام‌شده در جنبه‌های گوناگون شهرها و شهرنشینی به حدی است که بدون داشتن نظریه‌ای خاص، درک و تحلیل بخش ناچیزی از آن نیز میسر نیست. یک نظریه اطلاعات وسیع و فراوانی را که درباره شهرها وجود دارد، تنظیم کرده و این اطلاعات را به صورت ساخت‌های ذهنی وسیع‌تری سامان می‌دهد و بدین ترتیب بر ارزش این اطلاعات افزوده می‌شود. چنین ترکیبی باعث تجمع اطلاعات نیز می‌شود. به‌رغم آنکه اعتبار هر نظریه‌ای به وسعت نمونه‌ها بستگی دارد، اکثر نظریه‌های مربوط به شهرسازی، طراحی شهری و معماری و حتی مطالعات مربوط به انسان و محیط زیست وی فقط بر سنت روشنفکرانه طراحی تکیه دارد. این نظریه‌ها تنها بر کار معماران و شهرسازان تکیه داشته و محیط‌های زیستی را که براساس فرهنگ و رسوم مردم شکل گرفته‌اند، نادیده می‌انگارند. این در حالی است که بخش اعظم محیط مصنوع ما به فرهنگ و سنت‌های مردم بستگی دارد. علاوه بر این، حتی عناصر طراحی‌شده شهرها چون آکروپولیس، آکورا، پلازا، خیابان‌ها، تقاطع‌ها و غیره ... تنها در رابطه و زمینه محلی آن در میان سایر فضاهای موجود قابل شناخت است.

نکته ۳: بالاخره تفکیک دو شیوه از هم ۱- نظریه‌های مربوط به شهر؛ ۲- فرهنگ‌ها و باورهای موجود در ساخت شهرها هنگام بررسی مبدأ شهرها، هرچند غیرممکن نیست اما بسی مشکل می‌نماید.

نظریه‌های موجود همگی براساس شیوه‌های طراحی غربی بوده و در تدوین آن شیوه‌های مربوط به دیگر نقاط چون آفریقا، آسیا، خاورمیانه و دوره‌های ما قبل کلمبو در آمریکای لاتین نادیده انگاشته شده است. این نظریه‌ها همچنین تنها بر دوره اخیر تأکید داشته و برای بعد تاریخی موضوع و به‌خصوص گذشته بسیار دور و فرهنگ غیرغربی ارزش چندانی ندارد. بنابراین بررسی نحوه شکل‌گیری مجتمع‌های زیستی در طول تاریخ در میان فرهنگ‌های مختلف از اهمیت خاصی برخوردار است. این‌گونه نظریات که براساس نمونه کوچک شیوه روشنفکرانه طراحی غربی پایه‌ریزی شده است، مسئله‌ساز بوده و احتمال آن می‌رود که نظریه در صورت تعمیم فاقد اعتبار شود.

بعضی از این اصول می‌تواند جنبه تکاملی داشته باشد. اگر قبول کنیم که انسان به‌عنوان گونه دارای ویژگی‌های خاصی است، تداوم رفتاری خاص در طول زمان، خود دلیل بر وجود فلسفه خاصی برای این رفتار است؛ بنابراین شناخت ثبات نیز به اندازه تغییر و تحول از اهمیت برخوردار است. این نکته به‌خصوص در فرهنگ غربی که بیش از حد در پی شناخت تغییرات است، باید مورد توجه قرار گیرد. اگر تغییر و تحول ظاهری، خود براساس روندهای ثابتی به‌وجود



آمده باشد و به عبارتی اگر علل شیوه‌های گوناگون انجام کاری ثابت باقی بماند، شناخت آن علل از اهمیت بسیاری برخوردار خواهد شد. در صورت شناخت این علل و شیوه‌های بیان آن در خواهیم یافت که فرم‌های به‌ظاهر نامربوط در واقع یکی بوده و به عبارتی به نتیجه‌ای مشابه رسیده و حاصل سیر تفکر مشابهی بوده و حالت‌های مختلف یک پدیده است؛ برای مثال سه فرم شهری را در نظر بگیرید، شهری متراکم با واحدهای مسکونی حیاطدار، شهری کم‌تراکم با واحدهای مسکونی پراکنده و شهری متشکل از محله‌هایی با جمعیتی همگن و ارتباط اجتماعی مستحکم. هر چند این فرم‌ها در ظاهر به نظر بسیار متفاوت می‌آیند ولی همه آن‌ها را می‌توان به مکانیزم‌هایی برای کنترل ارتباط متقابل نامطلوب، همچون کاستن از افزایش بیش از حد اطلاعات و فشار رسیدن به حد مطلوب بررسی کرد. این شیوه برخورد در بررسی اختلاف‌ها و نظریه‌های گوناگون در رابطه با مسائل شهری از جمله خود مفهوم شهر بسیار مفید است.

کج مثال ۱: فرق شهرهای اروپایی و آمریکایی در چیست؟

۱) ارزش پولی ۲) ارزش فرهنگی ۳) ارزش معماری ۴) ارزش محیطی

پاسخ: گزینه «۳» ارزش معماری در شهر اروپایی به‌گونه‌ای است که احساس بسته‌بودن ندارد. دیدگاه‌های مختلف درباره شهر در کتب و مجله‌های فرانسوی موجود است که گاه در آن‌ها مضامینی در رابطه با فقدان فرم و ساختی خاص برای شهرهای آمریکایی دیده می‌شود. این مضامین نادرست بوده؛ زیرا شهرهای آمریکایی هم فرم و هم ساختی خاص دارند اما اختلاف در ماهیت این نظم و سلسله‌مراتب میزان اهمیت مکان‌ها و بافت این شهرها با شهرهای اروپاییان است. این حالت بازبودن و بی‌پایانی شهرهای آمریکایی برای اروپاییان نه تنها قابل درک نیست بلکه این حالت فرایندی و ناتمام‌بودن تا حدودی نیز ناراحت‌کننده است. به گفته سارترولوی استروس چنین به نظر می‌آید که جهت حرکت در خیابان‌های آمریکایی رو به سوی بی‌نهایت است. در شهرهای آمریکایی آن احساس بستگی و محصوربودن شهرهای اروپایی وجود ندارد. بعد زمان نیز تفاوت دارد، شهرهای آمریکایی قدمتی با شکوه نمی‌یابند بلکه فرسوده می‌شوند. آنچه اروپاییان و مهاجران به آمریکا احساس می‌کنند، در واقع همان احساس بی‌مکانی است.

دیدگاه‌های مختلف درباره شهر

این نکته در سخن معروف گرتروود، وقتی «به آنجا برسی، آنجایی» موجود است. این در توصیف شهر اوکلند کالیفرنیا به‌خوبی مشهود است که این بازبودن و حالت فرایندی ناشی از ارزش والای تحرک و جابه‌جایی در آمریکاست. عاملی که سبب شده آمریکایی‌ها نیز از درک سایر شهرهای جهان عاجز بوده و چنین تصور کنند که آن شهرها فرم و ساخت خاصی ندارند. از جمله نگاه آمریکایی دارای ساختی بس مشخص هستند به چنین نتیجه ناصوابی رسیده‌اند.

نکته ۴: در نظام اسلامی به جای تسهیل حرکت و دسترسی، محدودیت آن مورد نظر است تا بتوان رفتار را کنترل کرد. چنین شهرهایی از محله‌های متمایز چندی که براساس قومیت، مذهب، تجارت یا کاربری به‌وجود آمده‌اند، تشکیل شده و ساکنان محله به محله خود علاقه و وابستگی خاص دارند. به‌رغم آن درک چنین نظم و ترتیب برای آمریکایی غیرممکن است. مسلماً این عدم توانایی، دلیل بر نبود چنین نظمی نیست. نظریه دیگری را که نمی‌توان به تمام فرهنگ‌ها تعمیم داد، نگرش به شهر به‌عنوان مرکز تحول است. گرچه در غرب، شهرها مرکز تحول بوده‌اند، به عکس در چین و ایران شهرها همیشه مراکز ثبات بوده‌اند. همچنین تعمیم کلی این نظریه که با دورشدن از مراکز شهر بر ارزش و اهمیت مکانی چنانکه در آمریکا مرسوم است، افزوده می‌شود، نادرست است. در بعضی موارد اصولاً رابطه معکوس شده و با دورشدن از مراکز شهر از ارزش و اهمیت مکان کاسته می‌شود؛ بنابراین به‌طور کلی محیط‌های به‌ظاهر بی‌نظم و گیج‌کننده به‌طور اتفاقی به‌وجود نیامده بلکه معمولاً خود بیانگر ساختی مشخص براساس طرح و نظم اجتماعی خاصی هستند. در واقع این به نوعی تداعی‌کننده نظریه آشوب است که در بی‌نظمی هم نظمی وجود دارد.

تعریف شهر و زیستگاه

تعاریف معمول شهر محوری قومی داشته و بیشتر براساس شهر مدرن غربی شهرهای قرون وسطای اروپا و پس از آن استوار است؛ برای مثال طبق تعریفی کلاسیک، شهر سکونتگاه دائمی نسبتاً بزرگ و متراکمی است متشکل از افرادی که به لحاظ اجتماعی با هم متفاوت هستند. گوردون چایلد که از آغاز شهرنشینی با عنوان انقلاب شهری یاد کرده، معیارهای شهرنشینی را به ترتیب زیر بیان می‌کند: وجود تمرکز جمع کثیری از مردم در یک مکان، تخصص در حرف گوناگون، وجود وسیله گردش چرخ اقتصادی، معماری یادمانی عمومی، طبقات اجتماعی خاص، خط، علوم دقیق، هنر طبیعی تجارت خارجی و بالاخره عضویت در گروه براساس محل سکونت و نه تبار و نژاد.

با این همه نمونه‌های بسیاری از سکونتگاه‌هایی وجود دارد که از این ضوابط تخطی کرده‌اند؛ برای مثال هم جریکو و کاتال هویوک و هم سکونتگاه‌های ماقبل کلمبو پیش از پیدایش خط به‌وجود آمده‌اند. هاردوی در تعریف شهری از ده معیار استفاده می‌کند.

۱- وسعت و جمعیت زیاد با توجه به زمان و مکان خاص خود؛ ۲- ثبات؛ ۳- داشتن حداقل تراکمی خاص در رابطه با زمان و مکان خاص خود؛ ۴- ساخت و بافت مشخص و خوانا به وسیله خیابان‌ها و فضاهای شهری؛ ۵- محلی برای کار و زندگی مردم؛ ۶- وجود حداقلی از عملکردهای خاص شهری چون بازار، مراکز اداری یا سیاسی، مراکز نظامی، مراکز مذهبی، مراکز آموزشی و نهادهای وابسته به آن؛ ۷- وجود سلسله‌مراتب اجتماعی ناهمگن و متفاوت؛ ۸- وجود یک مرکز اقتصادی شهری در زمان و مکان خاص خود که یک حوزه نفوذ کشاورزی را به هم پیوند داده و در مواد خام تغییرات لازم برای عرضه به بازاری بزرگ‌تر انجام دهد؛ ۹- مرکز خدماتی برای مناطق هم‌جوار؛ ۱۰- مرکز اشاعه فرهنگ که از شیوه زندگی شهری با زمان و مکان خاص خود برخوردار باشد.

چنین تعاریفی به بحث‌های عمده‌ای درباره قبول یا رد موقعیت شهری مجتمع‌های زیستی مایاها در آمریکای مرکزی ماقبل کلمبیایی‌ها یا آفریقاییان بومی یا مجتمع‌های زیستی یورپا دامن می‌زند. نه تنها این مجتمع‌های زیستی که حتی مجتمع‌های زیستی مهم چین باستان، کامبوج، جاوه، مصر و پرو در دوره ماقبل چیموها یا حتی یونان ماقبل کلاسیک با این تعاریف کلاسیک تطابق ندارند. علاوه بر این در میان فرهنگ‌های مختلف، برای آنکه به یک مجتمع زیستی واژه شهر اطلاق شود، وجود عناصر مختلفی ضروری است؛ برای مثال این عناصر در دنیای یونان هلنیستی عبارتند از: تئاتر، ورزشگاه و تالار بار عام در شهرهای اسلامی؛ مسجدجامع، بازار دائمی و حمام عمومی، در بین‌النهرین، کامبوج یا در میان مایاها؛ وجود یک معبد در اروپا، حصار، بازار و حکومتی محلی که قوانین خود را اجرا کنند و استقلال داشته باشد. در اروپای دوره کارولیان‌ها، دژ، کلیسا و بازار؛ در هند معبد، قصر و بازار؛ در چین قدیم محرابی برای خدای خاک حصارها و معبدی برای نیاکان پادشاه. به بیانی دیگر آنچه در میان فرهنگ‌های مختلف واژه شهر بدان اطلاق می‌شود، متفاوت است و در حقیقت هرچه نمونه‌های مورد مطالعه در فضا و زمان گسترش یابد، استفاده از تعاریفی که براساس فرم‌های غربی به وجود آمده، سخت‌تر می‌شود. با این همه، برخورد با این پیچیدگی سبب شناخت بهتر پدیده شهر و شهرنشینی شده و بالاخره به تعریفی می‌انجامد که در حوزه‌ای وسیع‌تر قابل استفاده باشد.

نکته ۵: بنابراین به یک مجتمع زیستی نه براساس ویژگی‌های خاص بافت آن یا حتی مجموعه‌ای از این عناصر بلکه براساس عملکردی خاص که همان بخشیدن نظم به یک منطقه و ایجاد فضای مفید است، می‌توان واژه شهر اطلاق کرد.

ظاهراً امروزه این نظریه مورد قبول عموم صاحب‌نظران واقع شده است. بنابراین هر تعریفی از شهر که از اعتباری فرهنگی برخوردار باشد، باید از مجتمع زیستی یاد کند که به طریقی سرزمین یا منطقه وسیع‌تری را به‌نظم درآورد. در این صورت به مراکز تشریفاتی چون مراکز مایا یا دیگر مراکز و مجتمع‌های زیستی یورپا در آفریقا و غیره می‌توان واژه شهر را اطلاق کرد. درواقع سازماندهی محیط‌های زیست و وسیع‌تر می‌تواند حتی قبل از ایجاد مجتمع‌های زیستی خاصی که در واژه معمول غربی‌ها بدان شهر اطلاق می‌شود، صورت گیرد؛ برای مثال حکومت مائوری پولیتی در زلاندنو حتی قبل از ایجاد انقلاب شهری به آن مفهوم وجود نداشته است؛ به عبارتی دیگر، چون فعالیت‌های انسانی معمولاً در زمینه‌ای سازمان‌یافته شکل می‌گیرد، انسان به ایجاد نظامی دست می‌زند که فصل مشترک آن از واحد مسکونی تا منطقه تداوم داشته باشد. بدین ترتیب کاهوکیا در آمریکای شمالی و در منطقه میدوست در نزدیکی شهر فعلی سن لوئیز منطقه‌ای به وسعت تقریبی ۴۰ مایل مربع که از شهرها و روستاهای کوچک‌تری تشکیل می‌شد، به‌نظم درآورده بود. طول محور شرقی - غربی آن ۳ مایل و محور شمالی - جنوبی آن ۲۴/۱ مایل بوده است. در این منطقه اهرام، خاک‌ریزه، واحدهای مسکونی، آرامگاه‌ها و دویری از تیرهای چوبی و غیره وجود داشتند. قسمت مرکزی این منطقه توسط دیواری احاطه شده بود.

عملکردهای انتظام‌بخش در اینجا باید به بحث درباره نظریه‌های مختلف درباره منشأ عملکردهای انتظام‌بخش بپردازد. به‌طور کلی این فعالیت‌ها دارای جنبه اکولوژیکی در رابطه با محیط مانند تولید مثل غیرعادی بوده یا جنبه جمعیتی در رابطه با جمعیت و اعداد یا تخصصی و تکنولوژی در رابطه با امکان انجام فعالیت‌ها دارد. هرچند هیچ‌یک از این نظریه‌ها به‌تنهایی برای توضیح مسئله کافی نیست، هر یک در جوانب گوناگون و پیچیده اجتماعی و فرهنگی نقشی برعهده دارند. ضمن بررسی منشأ شهرها این پیچیدگی در رابطه با تمایزهای اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از جمله موضوعاتی که در چنین تحلیل‌هایی بدان پرداخته شده است، تجارت و بازار، مسئله آب و آبیاری و جنگ و مذهب بوده است. از میان این عوامل چنین به‌نظر می‌رسد که مذهب به علت رابطه میان منشأ شهرها با نمادهای مقدس از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ به عبارت دیگر عمل نظم‌دهی خود سمبلیک بوده و مذهب و مقدسات در تمامی فرهنگ‌ها سنتی که شهرها و مراکز سکونت از آنجا آغاز شده، نقش مرکزی داشته است. البته این بحث لزوم وجود چنین سازماندهی وسیعی را توصیه نمی‌کند و به هر صورت بحث پیرامون این است که این پاسخی بوده است به یک عامل مشترک که همان پیچیدگی زندگی در یک مکان است؛ در این صورت این سؤال پیش می‌آید که اصولاً چرا انسان سکنی گزید؟ به‌علاوه امروزه کاملاً روشن است که شکارچیان بیابانگرد اولیه که به جمع‌آوری غذا می‌پرداختند، جامعه‌ای غنی را تشکیل داده و نسبت به کشاورزان یکجانشین از مقدار غذا، پروتئین و وقت آزاد بیشتری برخوردار بوده‌اند. با توجه به این بحث‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که شهرها اصولاً به‌عنوان مراکز تشریفاتی با مفهومی سمبلیک به‌وجود آمدند. بدین ترتیب شهر خودبه‌خود نمادی از جهان بوده و قدرت سازمان‌دادن و هماهنگ‌کردن مناطق وسیع‌تری را دارد. اما شهر خود به‌عنوان نمادی از یک ایده که در فرم فیزیکی تبلور یافته و آن قدر غنی است که مناطق وسیعی را به‌نظم درآورده نیز منبعث از این مفهوم کلی‌تر است که شهرها یا هر محیط‌زیست مصنوع دربرگیرنده یا تجلی مدلی آگاهانه هستند. این ایده نه‌تنها تعاریف گوناگون شهر را در برمی‌گیرد بلکه نظریه‌های گوناگون درباره شهرها و فقدان نظم در این نظریه‌ها را نیز مطرح می‌سازد. فقدان نظمی که از مدل غیرقابل در کسی منبعث شده است. اصولاً هدف این بحث یافتن تعریفی برای شهر و شهرنشینی نبوده است بلکه هدف آن بوده است که نشان داده شود چگونه با بسط نمونه‌های مورد مطالعه، یک موضوع ساده، پیچیده‌تر و در عین حال غنی‌تر می‌شود. و به‌علاوه امکان آن به‌وجود می‌آید تا از انواع مجتمع‌های زیستی سخن به میان آوریم، بدون آنکه وارد این بحث شویم که آیا این مجتمع‌های زیستی، شهر هستند یا خیر. درواقع و به‌طور کلی موضوع مورد بحث ما مجتمع زیستی و نحوه نظم‌دهی آن است. مجتمع‌های زیستی، ساختمان‌ها و مناظر همگی حاصل این فعالیت ذهن انسان هستند. حتی هدف انسان‌های نئاندرتال از تدفین مرده‌ها به همراه شاخه‌ای گل، تحمیل نظمی بر جهان و پیوندادن زندگی و مرگ بوده است. نقاشی‌های درون غارهای اروپا، نشانگر سیستم و نظام پیچیده‌ای بوده که بعضی از غارها را به‌عنوان فضاهای انسانی و مقدس تعیین کرده است. سیستم‌های یادداشت نمادی که هدف آن مشخصاً تحمیل نظمی ذهنی بر زمان و عوامل طبیعی بوده نیز از زمان‌های دورتر وجود داشته است. بخشیدن بیانی فیزیکی به یک ایده کاری مفید است. بیان این ایده‌ها آن‌ها را به ابزاری تذکاردهنده بدل می‌کند که با بیان شیوه مطلوب رفتار به ترغیب و تقویت آن شیوه رفتاری می‌پردازد. بنابراین می‌توان اصولاً محیط مصنوع و مجتمع‌های زیستی را یکی از شیوه‌های نظم‌بخشی به جهان دانست. در جوامع سنتی این شیوه نظم‌بخشی اساساً مقدس است.

طرح، نظام و مدل

مجموعه‌های زیستی نیز چون تمامی محیط مصنوع طراحی شده هستند؛ بدان مفهوم که دربرگیرنده تصمیم‌ها، گزینش‌ها و روش‌های خاص انجام کار انسان هستند. از آنجا که امروزه کمتر نقطه زمین از گزند دستبرد انسان و دخل و تصرف وی جان سالم به‌در برده، می‌توان گفت که درواقع تمامی زمین طراحی شده است. این امر سبب شده که ما تأثیر نخستین و اولیه محیطی مصنوع بر طبیعت وحشی را از نظر دور داشته باشیم. بنابراین تمامی مکان‌هایی که از پوشش‌های طبیعی پاک شده یا گیاهانی خاص در آن رویانده شده یا مکان‌هایی که مسیر رودخانه در آنجا تغییر یافته یا مزارعی که محصور شده، همگی جزء محیط‌های مصنوع به‌شمار می‌روند. جاده‌ها، خانه‌ها و شهرها همگی طراحی شده‌اند. کیوسک‌های کنار جاده و گاراها نیز چون ساختمان‌های اداری و شهرها خود محیط مصنوع محسوب می‌شوند. کار یک مرد بومی که به سوزاندن پوشش گیاهی یا ایجاد یک کمپ مشغول است، به لحاظ طراحی به اندازه کار هر معمار یا شهرساز مدرنی معتبر است. بسیاری موارد همین اعمال به ظاهر عادی، بیشتر از طراحی به مفهوم معمول آن روی زمین تأثیر می‌گذارد. در خاتمه باید گفت که منظر شهرها، مناطق و سرزمین‌ها تا حد زیادی به عملیات متعدد طراحی افراد و گروه‌ها بستگی دارد. جنبه مشترک میان تمامی این فعالیت‌ها گزینش یک راه‌حل از میان تمامی راه‌حل‌های ممکن است. گزینش انجام‌شده معمولاً با فرهنگ مردم مذکور تطابق دارد و به‌طور کلی یکی از نحوه‌های بررسی فرهنگ‌ها، بررسی گزینش‌های مختلف آنان است. همین مجازبودن گزینش‌هاست که مکان‌ها را به‌صورتی بارز از هم متمایز می‌کند. همچنین نحوه لباس‌پوشیدن و نوع تغذیه آن‌ها نیز در تعیین رفتار آن‌ها مؤثر است و بر شیوه عمل و سازمان زمانی و مکانی محیط‌زیستشان تأثیر می‌گذارد. این گزینش‌های پایدار سبکی خاص در زندگی یا در محیط مصنوع به‌وجود می‌آورند. در گزینش‌ها، ارزش‌ها، معیارها و فضیلت خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع محیط مصنوع بیان‌کننده و منعکس‌کننده مدل آرمانی است. نظم بیان‌شده به وسیله فرایند گزینش یا تصور ذهنی که توسط فرمی خاص بیان شده، مجموعه‌ای از مدل‌های آگاهانه یا ایدئال‌ها هستند. این بدان معنی است که تصویری از محیط‌زیست آرمانی در ذهن انسان‌ها وجود دارد که محیط مصنوع آن را به‌صورتی ناقص بیان می‌کند. چنین محیط‌های مصنوعی به‌عنوان زمینه‌ای برای انسان‌های ایده‌آل یا شیوه زندگی ایدئال و خاص آن فرهنگ تلقی می‌شوند. آنچه ما به آن فرهنگ اطلاق می‌کنیم را می‌توان از سه دیدگاه مختلف نگریست. به عنوان شیوه زندگی خاص یک گروه، به‌عنوان سیستمی از نمادها، مفاهیم و مدل‌های آگاهانه و به‌عنوان مجموعه راهبردهایی به منظور حفظ بقا که با اکولوژی و منابع تطابق دارد. فرهنگ به مجموعه ارزش‌ها و عقاید مردمی که ایدئال‌ها و آرمان‌های آن‌ها در یک جهان‌بینی شکل گرفته است، اطلاق می‌شود. این اصول و عقاید آن‌ها را به گزینه‌های سیستماتیک و پایدار رهنمون می‌کند. هرچند مجموعه‌های زیستی در اثر تصمیم‌ها و فعالیت‌های افراد مختلف شکل می‌گیرند و به‌صورت یک تمامیت با هویت درمی‌آیند، به طوری که اگر شخص با نظام اطلاعات و سیستم نظم‌دهی فرهنگی خاص آشنا باشد، قادر خواهد بود که یک شهر چینی را از یک شهر فرانسوی و یک منظره پرویی را از هندی تمییز دهد. از طریق چنین گزینش‌هایی است که عادت‌ها، خلق و خوی، نقش‌ها و رفتار و همچنین محیط‌زیست شکل می‌گیرند. تمامی این جوانب در جهت تقویت هم عمل کرده و باید تشابه‌های حاصل از مدل مشترک بنیادین را آشکار سازند. این مدل‌ها همگی حاصل یکی از فعالیت‌های عمده ذهن بشر است، تلاش برای مفهوم‌بخشیدن به جهان و انسانی‌کردن آن از طریق اعمال نظمی خاص بر آن. نظمی آگاهانه که با سازماندهی و نامگذاری حاصل می‌شود. می‌توان گفت که این نظم قبل از آنکه فرمی کالبدی یابد، فرمی ذهنی یافته و بدین ترتیب می‌توان نحوه نظم‌بخشیدن مردمی چون بومیان استرالیایی را که محیط مصنوع وسیعی ندارند، نشان داد؛ نظمی ذهنی یا از طریق مراسم. بدین ترتیب بومیان از طریق حرکات مرسوم در مکان‌های مقدس گوناگون یا از طریق مراسمی در این مکان‌ها محدود زیست خود را معین کرده و به آن نظم می‌بخشند. پس تفاوت میان نحوه نظم‌دهی آنان با آنچه در شهرها معمول است، چیست؟ نخست، تفاوت‌ها در اندازه گروه و پیچیدگی سیستم است؛ دوم، در فقدان بیان کالبدی پایدار به‌عنوان یادآور اصول نظم‌دهنده جامعه که با بالارفتن تعداد جمعیت و پیچیدگی اجتماعی ضروری می‌شود و سوم، در عدم تسلط مرکزی واحد بر کل سیستم است؛ برای نمونه، هرچند هم بومیان و هم میان‌ها از حرکات اساطیری خاصی در مجموعه‌های زیستی خود استفاده می‌کنند، حرکات میان‌ها وابسته به مکان‌های پایدار مخصوص مراسم است و در مورد بومیان، هرچند مکان‌های مخصوص مراسم و حتی اردوگاه‌های آن‌ها دارای نظم و ساماندهی خاص است، با این همه سیستم حرکات، مهم‌ترین جنبه موضوعی است؛ زیرا آن‌ها فاقد یک مرکز واحد فیزیکی هستند. در مورد میان‌ها هرچند یک سازمان و نظام مهم و اصلی براساس حرکات وجود دارد اما این حرکات خود وابسته به یک مرکز مخصوص مراسم قومی هستند که مناطق وسیع و جمعیتی زیاد را پوشش داده و به آن‌ها نظم می‌بخشد.

نکته ۶: بنابراین مجموعه‌های زیستی نه‌تنها به منطقه‌ای وسیع‌تر سازمان داده و نظم می‌بخشند بلکه خود دارای نظم خاصی هستند. یک سیستم نظم‌دهنده خاص هم بر مجموعه‌های زیستی و مراکز مخصوص مراسم و غیره و هم در عین حال در مقیاسی وسیع‌تر حاکمیت دارد و سیستمی در درون سیستم دیگر است.

در حالی که همه مجموعه‌های زیستی در تمامی بناها و درواقع تمامی محیط‌زیست نظم داشته و سازمان دارند اما از آنجا که شهرها به مناطق وسیع‌تر و پیچیده‌تری نظم می‌بخشند، از سایر محیط‌های مصنوع جدا هستند. در مجموعه‌های زیستی فرهنگی‌های سنتی، نظم‌های گوناگونی براساس درجه‌های تقدیس مکان وجود دارد؛ به همین دلیل میان اقوام گورورومبا در مناطق مرتفع گینه نو، هم روستاهای مسکونی و هم روستاهای مخصوص مراسم می‌توان یافت. روستاهای مسکونی از اجتماع ۲۵ تا ۳۰ کلبه روستایی مدور به‌وجود آمده‌اند که به‌صورت خطی در طول مسیر قرار گرفته و کلبه‌های مردان در طرف خاص جاده قرار دارد. روستاهای مقدس آن‌ها پیرامون فضای باز نظم یافت، در یک طرف این روستا یک ساختمان بلند چترمانند که تقسیم‌بندی نشده است، قرار دارد و همچنین یک حصار نرده‌مانند که اهمیت مذهبی دارد؛ بدین ترتیب این روستای مخصوص مراسم از روستای مسکونی پیچیده‌تر بوده و به کمک اساطیر مناطق وسیع‌تری را سامان می‌بخشد.

مجتمع‌های زیستی نمونه

این فرضیه که مدل نظم‌دهی آگاهانه در طول زمان رشد یافته و پیچیده‌تر می‌شود، مورد قبول ما نیست. هرچند می‌توانیم ادعا کنیم که جامعه صنعتی امروز از لحاظ اقتصادی تکنولوژی، پیچیده‌ترین جامعه‌ای است که تاکنون وجود داشته است؛ با این همه در مقایسه با بومیان استرالیا، قوم تمنه آفریقا و بسیاری مردم دیگر به لحاظ جهان‌بینی و عقاید، بسیار ساده‌اندیش‌تر هستند. بنابراین انواع مدل‌هایی که در گذشته برای نظم‌بخشیدن به مجتمع‌های زیستی به کار برده می‌شده، ساده‌تر نبوده بلکه تنها متفاوت بوده است. این مدل‌ها بر ارزش‌های خاص آن جهان‌بینی تأکید داشته‌اند. بنابراین درک منظرها، مجتمع‌های زیستی و ساختمان‌ها مستلزم درک مدل پایه‌ای آن است که خود دربرگیرنده عناصر مهمی است.



نکته ۷: مسلماً مجتمع‌های زیستی در طول زمان رشد کرده و وسعت سازمان آن‌ها افزایش می‌یابد. مجتمع‌های زیستی که مناطق وسیعی را به‌نظم درآوردند، شهر نامیده می‌شوند.

این همه پیچیدگی ذهنی نشانگر توسعه واقعی نیست. درواقع درک هیچ مجتمع زیستی با محیط‌زیست مصنوعی میسر نیست مگر آنکه مدل آگاهانه زیربنایی آن را شناخت. برای ظهور یک فرم باید نوعی الگو وجود داشته باشد. چنین فرم‌هایی معمولاً بین درجه‌ای از سازگاری میان سازمان فضایی کالبدی و سازمان فضایی اجتماعی هستند. تمامی مجتمع‌های زیستی همچون تمامی محیط‌زیست، اساساً در حال شکل‌دهی به مکان هستند. هر مکان بخشی ابهام متمایز از سطح زمین است. این بخش در عین حال که دارای مفهومی خاص است، از سایر بخش‌ها متمایز است. به‌یاد آورید که مکان‌ها را می‌توان به‌طور کاملاً آگاهانه تعریف کرد؛ برای مثال یک اردوگاه بومی را یک مکان یا یک محدوده قومی می‌دانیم. آنچه یک مکان را به‌وجود می‌آورد، اصول و قواعد نظم‌دهی مشتمل بر مدلی است که در میان فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. در اغلب فرهنگ‌های سنتی این مدل‌ها در رابطه با مقدسات هستند، به‌طوری که یک مکان از فضای مادی غیرمتمایز اطراف خود متمایز می‌شود. انواع دیگر مدل‌ها نیز وجود دارد. با این توجه که هدف از مکان در همه موارد ایجاد فضایی مفید و قابل استفاده براساس معیارهای آن فرهنگ خاص است. مطالعات را باید از چه دوره تاریخی آغاز کرد و مطالعات اخیر در تمامی زمینه‌ها در رشته‌ها نشان می‌دهد قدمت همه چیز بیشتر از آن است که زمانی تصور می‌کردیم. ایجاد مجتمع‌های زیستی بزرگ به زمانی بسیار کهن باز می‌گردد. حتی اگر اردوگاه‌های بومی را که دارای نظم بوده و مدلی اجتماعی یا اساطیری در آن وجود داشته است، نادیده انگاریم، قدمت مجتمع‌های زیستی بسیار جالب توجه است. باید خاطر نشان کرد که وسعت و تراکم مجتمع‌های زیستی نسبی است؛ یعنی باید آن‌ها را در رابطه با جمعیت کلی یک منطقه و تراکم آن بررسی کرد. قدمت نیز امری نسبی بوده و مطلق نیست. بومیان استرالیایی از ۳۰۰۰۰ سال پیش در این سرزمین زندگی می‌کرده‌اند اما هیچ‌گاه مجتمع زیستی پایداری به‌وجود نیاورده‌اند؛ در حالی که در خاورمیانه قدمت مجتمع‌های زیستی بزرگ به ده هزار سال پیش بازمی‌گردد؛ درحالی‌که حتی تا همین اواخر در آمریکا تصور بر این بود که قدمت این مجتمع‌های زیستی تنها به دو هزار سال پیش باز می‌گردد اما حتی این تاریخ هم به عقب‌تر کشیده می‌شود. حفاری‌های اخیر نشان می‌دهد که گورستان‌های طراحی‌شده‌ای مانند آنچه در ریل آلتو وجود دارد، مربوط به سه هزار سال قبل از دوران معمول است و احتمالاً گورستان ریل آلتو نیز قدیمی‌ترینشان نیست؛ لذا درمی‌یابیم که در گذشته‌های بسیار دور، فضاهای عمومی منظم و به‌شدت متراکم و منطقی برای مراسم اساطیری وجود داشته است. در اکوادور روستاها فرمی مدور داشته‌اند و این فرم از چنان اهمیتی برخوردار بود که تا زمان حیات فرهنگ جامعه، یعنی تا سال ۱۹۲۴ این روستاها فرم خود را حفظ کرده بودند. ضمن اینکه مراکز مخصوص مراسم و تشریفات بزرگ‌تر فرم مشخص مستطیلی داشتند.



نکته ۸: بنابراین از نظر رشد کلی، مجتمع‌های زیستی پیچیده و وسیع تقریباً هم‌زمان در آمریکا و دنیای قدیم به‌وجود می‌آیند.

خلاصه‌تر اینکه تاکنون دریافته‌ایم که ذهن انسان نیازمند نظم‌بخشیدن به جهان است و نظم‌بخشیدن به محیط‌زیست یکی از جلوه‌های این نیاز است. همه فرهنگ‌ها به نوعی دارای سیستم نظم‌دهی به محیط‌زیست هستند؛ یعنی آن‌ها به وسیله نظم‌دهی خاص با محیط‌زیست خود به‌صورتی نمادین ارتباط برقرار می‌سازند. همه محیط‌های زیست مفهوم داشته و مبین مدل‌ها، الویت‌ها، تمایلات و فرهنگ خاص خود هستند؛ بنابراین می‌توان همه فرهنگ‌ها اعم از سنتی و مدرن، بومی و استعماری را به مقایسه گذاشت. علاوه بر این مدل‌ها در طول زمان و در میان فرهنگ‌های مختلف تغییر می‌کنند. هرچند مقیاس این طرح‌ها افزایش می‌یابد ولی لزوماً در مسیر توسعه پیش نمی‌رود. مدل‌ها و سیستم‌های نظم‌دهی بومیان استرالیایی به اندازه سیستم نظم‌دهی مردم مدرن پیچیده بوده و در بعضی موارد نیز پیچیده‌تر است. همچنین دریافته‌ایم که نظم‌دهی محیط‌زیست از دیرزمانی و بسیار قبل از آنکه تصور می‌کردیم، آغاز شده است. در فرهنگ‌های سنتی که بررسی منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی آن‌ها مورد نظر ما بوده، نظم اصولاً نظم مقدس بوده است. هدف اصلی آن نظم‌بخشیدن به این جهان درهم و برهم از طریق تقلید از یک نظم ایدئال چون نظم و هماهنگی برین بوده است. هرچند گفتیم که سیستم‌های نظم‌دهی فاقد تحول و رشد هستند، هنوز این سؤال مطرح است که چه عاملی مجتمع‌های زیستی را که شهر نام دارند، به‌وجود می‌آورد. یکی از پاسخ‌های ممکن برای این سؤال این است که شهر هنگامی به‌وجود می‌آید که مجتمع‌های زیستی مناطق وسیع‌تری را به شکلی خاص نظم بخشند. پاسخی دیگر نیز بر این سؤال مترتب است.



نکته ۹: مجتمع‌های زیستی به نوعی نمایانگر آرمان ذهنی بشر بر فضای جغرافیایی است.

اگر به بررسی فرهنگ‌های سنتی بپردازیم، دو سیستم عمده نظم‌دهی خواهیم یافت. این دو سیستم از هم مجزا نبوده و درواقع در اغلب موارد در رابطه با یکدیگر هستند. سیستم نخست، نظم است هندسی براساس روابط اجتماعی چون در کنگ بوشمن، مپوتی پیگمی یا در اردوگاه‌های بومیان استرالیایی وجود دارد. در این اردوگاه‌ها معمولاً محل یا مرکز مراسم اساطیری غالباً از بقیه مجموعه جدا بوده است. چنانکه نظم آگاهانه تمامی محیط‌زیست نیز همین‌طور است. با این همه هنوز نظم اجتماعی و مقدسات رابطه نزدیکی با نظم بزرگ‌تر داشته، به طوری که ارتباط فضایی چیزی بیش از مفاهیم اجتماعی است. به‌طورکلی چنین اردوگاه‌هایی فاقد آن ارزش مناسب بوده که بسیاری از مجتمع‌های زیستی دیگر دارند. مرحله تحول از این اردوگاه‌ها به مجتمع‌های زیستی که دارای ارزش مقدس هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و احتمالاً آغاز نوعی مجتمع زیستی است که ما آن را شهر می‌نامیم. در اسکان‌های شهری سنتی، هر دوی این نظم‌ها در رابطه نزدیک با هم قرار دارند، به‌نحوی که هدف بسیار مهم دیگر نظم مقدس علاوه بر نظم هندسی، ایجاد و تقویت و



تحکیم نظم اجتماعی است. به طوری که می‌توان رابطه و تفاوت بعضی نظم‌های فضایی و اجتماعی را در فرهنگ‌های مختلف نشان داد؛ برای مثال می‌توان ویژگی‌های مختلف نظم‌های شهری ایتالیایی، انگلیسی، فرانسوی، آمریکایی و ژاپنی را به مقایسه گذاشت. امروزه، در رابطه با نظم فضایی و اجتماعی، شاهد جایگزینی نظم‌های تکنولوژیکی هستیم که بدون ارتباط با نیازهای انسانی و خارج از کنترل وی به شیوه زندگی و خواست‌های آدمی شکل می‌دهد. تا اینجا دیدیم که بررسی نمونه‌های بیشتری برای تعمیم معتبر یک نظریه دارای چه ارزش و اهمیتی است. دلیلی دیگر نیز برای این نظریه وجود دارد. امروزه، هنوز فرهنگ‌ها و شیوه‌های زندگی بسیار متنوعی وجود دارد و به منظور طرح محیطی مناسب برای تداوم حیات این فرهنگ‌ها لازم است که نحوه ارتباط محیط‌زیست با این خصوصیت‌ها را بدانیم؛ در صورتی که در ورای این اختلاف‌ها و تمایزها، نظم‌ها و عوامل پایداری را بیابیم، می‌توانیم از میزان و اندازه عناصر متغیر کاسته و بسیاری از عوامل ثابت را برای نوع انسان تعمیم بخشیم. این امر درک و طراحی محیط‌های زیست مناسب و مطابق با فرهنگ جامعه را تسهیل می‌کند. در پایان این بحث سؤالی جالب درباره مجتمع‌های زیستی می‌توان مطرح کرد. آیا هیچ رابطه‌ای میان ثبات، تغییر و مقیاس وجود دارد. می‌توان چنین گفت همان‌طور که در مقیاس‌های شهر، متروپلیتن و مگالوپلیتن کلان‌شهر الگوهای جدیدی وجود دارد، مسلماً در مقیاس‌های کوچک‌تر هم می‌توان از گذشته درس‌هایی آموخت. برای بررسی این مسئله نیز احتمالاً باید به زمان آغاز مجتمع‌های زیستی برگردیم، به گذشته دور، هنگامی که انسان‌ها به محیط‌زیست خود نظم کالبدی مشخصی بخشیدند که بیانگر نظم ذهنی آن‌ها بود و آن نظم را تحکیم کرده و زمینه را به وجود آوردند که رفتار مطلوب را به مردم متذکر می‌شده است.

برنامه‌ریزی و ساخت شهرهای کوچک

عوامل اساسی شهر، کاربری‌های شهری

در برنامه‌ریزی شهری تمامی عوامل شهرسازی مشارکت دارند و جهت اساسی عوامل توسعه شهری در برنامه‌ریزی شهری است. از عوامل اساسی برنامه‌ریزی شهری، مشخص کردن مناطق صنعتی و تولیدی، کارگاه‌ها، مراکز فرهنگی، اجتماعی، تجاری، اقتصادی، بهداشتی، مذهبی، تفریحی، مراکز تحقیقات، تشکیلات، مؤسسات و تجهیزات انرژی، سیستم حمل‌ونقل داخل و خارج شهر، فضاهای کشاورزی، صنایع غذایی، صنایع سبک و مراکز آموزش عالی و مقاطع مختلف تحصیلی را می‌توان نام برد.

۱- تاریخچه پیدایش شهر

برای پیدایش و وجود شهر دیدگاه‌های مختلفی از طرف کارشناسان علوم مختلف وجود دارد. جغرافی‌دانان، تاریخ‌نویسان، انسان‌شناسان، سیاستمداران، جامعه‌شناسان و معماران هرکدام دلایل گوناگونی برای پیدایش شهر ارائه می‌دهند که اکثر آن‌ها می‌تواند تا حدی اصولی و منطقی باشد. شهر به‌عنوان مرکز اداری و نظامی برای کنترل مملکت، شهر به‌عنوان منبع تشکیل فرهنگ و تمدن، شهر به‌عنوان محل تجارت و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و... مفاهیمی هستند که در دوره‌های مختلف تاریخی دلایل برتر برای پیدایش و به‌وجود آمدن شهر به حساب می‌آمده است ولی آنچه مسلم است این است که شهرها خاصیت مشترکی دارند و آن تمرکز افراد در یک فضا برای برآوردن خواسته‌های مشترکشان است و این تمرکز از نظر اقتصادی درون تمرکز نهفته است؛ به همین دلیل تمرکز در شهرها بیشتر شده و شهرها رشد پیدا می‌کنند؛ لذا می‌توان گفت که دلایل برتر برای اثبات به‌وجود آمدن شهر، دلایل اقتصادی است. در اینجا به دو نظریه درباره منشأ پیدایش شهر از دیدگاه‌های اقتصادی می‌پردازیم.

کلمه مثال ۲: چه کسی پیدایش شهر را در رابطه با نحوه زندگی اقتصادی تعریف می‌کند؟

(۴) بقراط

(۳) ارسطو

(۲) ابن خلدون

(۱) ابن بطوطه

پاسخ: گزینه «۲» ابن خلدون پیدایش شهرها را در رابطه با نحوه زندگی اقتصادی بشر می‌داند که ابتدا فقط نیازهای ضروری خود را تولید می‌کند و سپس با افزایش بازده تولید به خواسته‌های تجمیلی هم روی می‌آورد که این امر به‌منزله اصل و منشأ شهرهاست.

تعریف شهر از دیدگاه‌های مختلف

شهر از دیدگاه‌های مختلف تعاریف متفاوتی دارد. ارائه تعریفی نسبتاً جامع و کامل از شهر که دربرگیرنده تمامی زمینه‌های تحقیقاتی مرتبط با شهر باشد، کاری بس دشوار است. دلیل اصلی این امر را باید در ماهیت شهر و تنوع اشکال آنچه در زمان حال و چه در گذشته و وسعت موضوع‌ها و مسائل مربوط به شهر جست‌وجو کرد. با توجه به اینکه شهر مجموعه‌ای چندبُعدی است با اجزای بسیار متنوع در آنکه با هم ارتباط متقابل داشته و پویایی شهر را سبب می‌شوند و براساس ابعاد و جوانب مختلف شهر، یک تعریف مختصر و مفید در عین حال جامع و مانع از شهر به‌نظر می‌رسد، کاری سخت و دشوار است؛ به همین دلیل بسیاری از برنامه‌ریزان شهری و شهرسازان و کلاً علمی که با شهر ارتباط دارند، به تعریف شهر نمی‌پردازند و با افرادی چون روت گلاس هم‌عقیده شده‌اند که می‌گوید: یافتن تعریفی واحد برای شهر به نحوی که نیازهای پژوهش‌های تجربی متنوع و متعدد را برآورد و برای همه انواع شهر در زمان‌ها و جوامع گوناگون مناسب تلقی شود، غیرممکن است. در اینجا ما برای روشن‌شدن این امر که رسیدن به تعریفی واحد در شهر دشوار است، مهم‌ترین تعاریف شهری را مرور می‌کنیم.

تعریف شهر براساس آزادشدن از قیود محیط طبیعی: برخی معتقد هستند که آزادشدن از قیود محیط طبیعی می‌تواند ملاک خوبی برای تعریف شهر قرار گیرد و می‌گویند که باید ماهیت شهر را در آزادشدن نسبی از محیط جست‌وجو کرد و آن را معیاری برای درک مفهوم شهر و رسیدن به تعریف مناسب تلقی کرد. تردیدی نیست که شهر بیشتر از سکونتگاه‌های دیگر انسانی از قید محیط طبیعی رسته است.

پرسنل شهرسازی

پرسنل شهرسازی به افرادی گفته می‌شود که در ساخت‌وساز شهری فعالیت می‌کنند. مؤسسات تولیدی طبیعتاً در منطقه صنعتی شهر جایگزین شده‌اند و با توجه به ظرفیت و تعداد کارکنان می‌توان میزان اراضی مؤسسه را تخمین زد. اضافه می‌شود که در حالت استثنایی توسعه ممکن است تعداد کارکنان کم یا زیاد شود که این حالت به میزان اتوماسیون کارخانه‌ها بستگی دارد. نسبت به تعداد و موازات افرادی که در ساخت‌وساز شهری مشغولند، در شهر گروه دیگری به نام گروه خدماتی به وجود می‌آیند که این گروه‌ها عبارتند از فرهنگی، بهداشتی، صنایع سبک، صنایع غذایی، حمل‌ونقل و تجارت. سازمان برنامه‌ریزی شهری و ترکیب ساختمان‌ها در بسیاری اوقات به توپوگرافی اراضی و زمین انتخابی بستگی دارد که خود را در ترکیب و حجم تولیدها و وضعیت اقتصادی اهالی آن شهر نشان می‌دهد. شهرها و روستاها را براساس تیپ‌های ارائه‌شده در زیر می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد.

- شهرهای دارای تیپ صنعتی؛

- شهرک‌هایی با تیپ کشاورزی؛

- شهرهای دارای مناطق و مراکز علمی؛

- شهرهای کوچک با شهرک‌هایی که براساس صنایع کشاورزی صنایع تبدیلی ایجاد شده‌اند. هرکدام از این شهرها دارای خصوصیت‌های مخصوص به خود هستند. این مسئله در ساختمان‌ها و ایجاد راه‌های ارتباطی نیز به کار برده می‌شود؛ به‌طور مثال در شهرهای کوچک صنعتی مسئله اساسی بهداشت و مسائل تولید است. مجتمع‌های صنایع تبدیلی و کشاورزی در جهت رعایت مسائل شهرسازی به صورت اتحادیه و مجتمع‌های تولیدی عمل می‌کنند؛ لذا ایجاد و احداث مناطق تولید کشاورزی، مکانیزاسیون و یکپارچگی آن‌ها به‌صورت اساسی تعیین می‌شود. در برنامه‌ریزی محله‌های مسکونی مناطق کشاورزی دو عامل زیر تأثیر به‌سزایی دارند:

۱- مشخص بودن و حفظ سیستم ایجاد منطقه مسکونی در روستاها، دهستان‌ها، مرکز استان و غیره؛ ۲- استفاده از مصالح ساختمانی تولیدی و موجود در منطقه کشاورزی.

برنامه‌ریزی شهرک‌های رفاهی و تفریحی براساس طبیعت و فاکتورها و ماهیت و ذات معالجه‌های بیماری‌ها تعیین می‌شود.

نکته ۱۰: در برنامه‌ریزی احداث و ایجاد مجتمع‌های توریستی از نظر معماری، نمادینه‌کردن، سمبلیک‌کردن و در دید عموم گذاشتن بناهای تاریخی در درجه اول قرار دارد.

در چنین وضعیتی بازسازی و نگهداری بناهای تاریخی مسکونی نیز الزامی است. توجه به طبیعت و شرایط اقلیمی متفاوت شهرهای کوچک در خصوصیت‌های شهرسازی آن شهرها تأثیر به‌سزایی دارد. فرق بین شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک را نمی‌توان فقط از نظر اندازه و مساحت زمین آن‌ها بیان کرد بلکه تفاوت‌های طبیعی، نقش سیستم‌های تولید مسکن، پروفیل توسعه شهر و حجم تولید کم ساختمان در شهرهای کوچک را می‌توان الگویی برای شناخت فرق شهرهای بزرگ و کوچک نام برد.

کج مثال ۳: در تقسیم‌بندی مناطق مسکونی در مجتمع‌های زیستی کدام عامل نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؟

(۱) سرمایه (۲) سیاست (۳) طبیعت (۴) حمل‌ونقل

پاسخ: گزینه «۳» در تقسیم مناطق و نواحی مسکونی وجود محدودیت‌های طبیعی و مصنوعی نقش مهمی را بازی می‌کنند؛ مثل کوه‌ها، دره‌ها، رودخانه‌ها، راه‌آهن و خطوط برق فشارقوی. در طراحی پلان اصلی شهرهای کوچک راه‌های حمل‌ونقل، پیاده‌روها، راه‌های تردد پیاده و ارتباط آن‌ها به مراکز اشتغال و صنایع تأثیر به‌سزایی دارند؛ لذا در جهت طراحی پلان شهرهای کوچک راه‌های ارتباطی مراکز اشتغال با سایر مناطق از اهمیت بیشتری برخوردارند. تقسیم و تفکیک صحیح شبکه‌های ارتباطی شهر و ایجاد راه‌های ارتباطی قابل قبول علمی و اصولی، تردد راحت افراد پیاده به بناهای مسکونی و محله‌ها و مناطق خدماتی را امکان‌پذیر می‌سازد.

طراحی بهینه پلان اصلی شهر متراکم به استفاده از اراضی به‌صورت متشکل و برنامه‌ریزی شده بستگی داشته و باعث هدرنرفتن اراضی فوق خواهد شد. در طراحی شهرهای کوچک موارد زیر باید رعایت شود:

۱- ارزش دادن به اراضی انتخاب‌شده برای ایجاد مجتمع‌های مسکونی؛

۳- تعیین و ایجاد مراکز اجتماعی؛

۵- تعیین خصوصیت‌های ساختمان‌های نواحی و مناطق مسکونی و تولیدی؛

۴- ایجاد شبکه‌های داخلی شهر به شرط اولویت‌دادن به راه‌های پیاده؛

۶- تعیین تعداد و روش تربیت مهندسان و کارشناسان عمران و آبادی.

طراحی و برنامه‌ریزی معماری مناطق مسکونی

در طراحی و برنامه‌ریزی پلان معماری مناطق مسکونی و انتخاب امکانات اقتصادی فلز، سنگ، زغال‌سنگ، نفت، راه‌ها و منابع آب در نظر گرفتن امکان توسعه براساس اصول علمی معماری برای ۲۵-۲۰ سال آینده لازم است.

توسعه چندبُعدی شهر و محاسبه جمعیت شهری

در طراحی و تنظیم پلان عمومی در نظر گرفتن میزان توسعه جمعیت و اراضی هم برای درآمدت ۲۰-۲۵ سال و هم برای کوتاهمدت لازم است؛ به دلیل همین مسئله همیشه ذخیره‌کردن اراضی و زمین برای مناطق مختلف شهری مسکونی، صنایع، راه‌ها و غیره الزامی است.

نکته ۱۱: برای تعیین گروه فعال جمعیت فعال شهر مطالعه و دانستن آمار و منحنی توسعه اراضی شهری و افراد شاغل لازم است. با در نظر گرفتن جمعیت فعال در کارهای اجتماعی با روش تعداد کل جمعیت، درآمد سرانه را می‌توان تعیین کرد.

اندازه شهرها

مساحت و اندازه شهرها براساس جمعیت کل شهر تعیین و محاسبه می‌شود و اراضی مناطق ارتباطها و تردد شهری نیز بر آن اضافه می‌شود. مناطق فوق عبارتند از مسکونی، صنایع، تولید، علمی، استراحت و اجتماعی، خدمات، حمل‌ونقل خارج شهری و بهداشتی - درمانی.

کج مثال ۴: چند درصد از فضای شهر را فضای بهداشتی - درمانی به خود اختصاص می‌دهد؟

۱) ۱۰-۲۰ % ۲) ۳۰-۴۰ % ۳) ۵-۱۰ % ۴) ۱۵-۵ %

پاسخ: گزینه «۱»

منطقه	نسبت به درصد
فضای مسکونی	۵۰-۶۰ %
فضای تولیدی - صنعتی	۱۵-۲۵ %
فضای اجتماعات عمومی	۳-۵ %
فضای حمل‌ونقل خارج شهر	۲-۳ %
مناطق بهداشتی - درمانی	۱۰-۲۰ %

نسبت فضاهای شهرهای استراحتی - رفاهی استثنایی است. در چنین شهرهایی مناطق تفریحی با مناطق مسکونی به نسبت ۳ تا ۴ برابر است؛ یعنی براساس فرم استاندارد برای هر ساکن شهری که ۱۰۰ متر مربع زمین لازم است، برای هر استراحت‌کننده نیز ۳۵۰-۴۵۰ متر مربع زمین لازم باشد، طرح انتخابی برای شهرهای کوچک همیشه براساس وضعیت انتخابی و کیفیت ساختمان‌ها خواهد بود؛ یعنی باید ابتدا شرایط طبیعی و اقلیمی خاک و منطقه بررسی شود؛ مثل سمت وزش باد، خصوصیت‌های سرزمین، منابع آب و جنگل‌های طبیعی باید دقیقاً بررسی و با در نظر گرفتن مطالب زیر طرحی اساسی برای شهر انتخاب شود.

- ساختمان‌سازی در زمین‌های کشاورزی، جنگل‌ها و معادن امکان‌پذیر است؛

- وضعیت و موقعیت ایستگاه حمل‌ونقل بین شهری راه‌های آبی، اتومبیل و راه‌آهن؛

- تخصیص زمین در اراضی انتخاب‌شده برای ایجاد مناطق مورد نیاز زندگی الزامی است؛

- پلان و برنامه‌ریزی معماری از نظر فضای سبز و زیباسازی فضا تأثیر به‌سزایی دارد.

شرایط طبیعی

در صورتی که اراضی انتخاب‌شده دارای ۵% تا ۱۰% شیب باشد، جهت ایجاد ساختمان‌های مسکونی مناسب است. در صورتی که زمین انتخاب شده در دامنه کوه باشد، این شیب می‌تواند به ۲۳ تا ۲۵ درصد نیز برسد. وضعیت فوق برای جریان سریع آب‌های سطحی، ایجاد شبکه وسایل نقلیه و بالارفتن هزینه تمام‌شده ساختمان‌ها تأثیر به‌سزایی دارد. در چنین وضعیتی اتخاذ تدابیر اساسی معماری، یعنی در نظر گرفتن خصوصیت‌های زمین، ایجاد و استفاده از سیستم ساختمان‌های تک و زنجیره‌ای لازم به‌نظر می‌رسد. در مناطق کوهستانی براساس اصول معماری ایجاد ساختمان‌ها براساس تراس‌بندی و پله‌ای لازم و بهتر خواهد بود.

شیب زمین	تیپ ساختمان‌ها
۱۰-۵ / بیشتر از ۳۰-۲۰	ساختمان‌های مسکونی و اجتماعی
۳-۳ / ۵ تا ۵	ساختمان‌های صنعتی

نکته ۱۲: قبل از احداث شهر و شهرک، زمین‌های آن باید از نظر خصوصیت‌های زمین‌شناسی و وضعیت آب‌های سطحی و زیرزمینی مطالعه شود. این مطالعات در تعیین، انتخاب نوع و سیستم‌های احداث ساختمان‌ها و تجهیزات و تأسیسات مورد لزوم، میزان سستی خاک، باتلاق‌ها و شناخت وضعیت آب‌های زیرزمینی کمک به‌سزایی خواهد کرد. طبیعی است که در نتیجه این مطالعات تدابیر لازم مهندسی اتخاذ خواهد شد؛ به‌طور مثال خشک کردن باتلاق‌ها، هدایت آب‌های سطحی و زیرزمینی، مستحکم کردن اراضی به واسطه تدابیر و اصول مهندسی و تشکیل و تجهیز مقدمات اولیه کار به منظور احداث شهر. باتوجه به آمار ترکیبی خاک و منحنی سستی آن قادر به انتخاب محل ساختمان‌ها بوده و محدودیت‌های لازم را برای نقشه ساختمان‌ها تعیین خواهیم کرد.

برنامه‌ریزی معماری شهرهای کوچک

برنامه‌ریزی شهرهای جدید بر مبنای سیستم‌های مسکونی یا صنعتی بودن آن‌ها به‌عمل می‌آید. در طراحی شهرهای کوچک با توجه به فعالیت‌های مختلف شهری و با حفظ شرایط طبیعی، شهر به مناطقی از قبیل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... تقسیم و هرکدام متأثر از شرایط معماری خاص خود خواهد بود. مناطق مختلف شهری باید به صورت متشکل و دارای ارتباط مناسب احداث و محله‌بندی شوند. شهرهای کوچک شامل چند منطقه فعالیت به شرح زیر هستند: منطقه مسکونی، منطقه کارگاهی، منطقه صنعتی، منطقه خدماتی و اداری، منطقه حمل‌ونقل خارج شهر، منطقه بهداشتی و درمانی و منطقه فضای سبز.

فضاهای شهری

منطقه مسکونی

فضای مسکونی در شهرها بیشترین مقدار فضا را به خود اختصاص می‌دهند. در نظام برنامه‌ریزی شهری و در ارتباط با مبحث سرانه کاربری اراضی بیشترین سهم در اختیار فضاهای مسکونی است.

کدام مثال ۵: کدام فضا در شهر بیشترین سهم را به خود اختصاص می‌دهد؟

- (۱) فضای سبز (۲) فضای مسکونی (۳) فضای صنعتی (۴) فضای بهداشتی

پاسخ: گزینه «۲» در نظام برنامه‌ریزی شهری و در ارتباط با مبحث سرانه کاربری اراضی بیشترین سهم در اختیار فضاهای مسکونی است.

منطقه صنعتی: ترکیب مناطق صنعتی و تولیدی، مؤسسات و تشکیلات صنعتی عبارت‌اند از راه‌های اتومبیل‌رو، راه‌آهن و تجهیزات آن‌ها، میادین، ساختمان‌های اداری و فضای سبز. گذشته از نیاز حتمی منطقه صنعتی به راه‌آهن به نسبت بزرگی یا کوچکی منطقه، وجود یک یا چند ایستگاه راه‌آهن شهری که حداقل باید ۲۰۰ متر با ساختمان‌های مسکونی فاصله داشته باشد، مورد نیاز است. اراضی عمومی منطقه صنعتی براساس اصول استاندارد باید به‌ازای هر هزار نفر، ۳ هکتار باشد یا براساس ذات و مشخصات مخصوص هر صنعت محاسبه شود.

درصد زمین‌ها	فضاها
۶۰-۷۰	فضای اشغال‌شده توسط ساختمان و تجهیزات صنعتی
۶-۱۰	فضای تجهیزات حمل‌ونقل
۵-۱۰	مراکز اجتماعی، علمی و تکنیکی
۳۰-۳۵	فضای ذخیره‌شده به منظور توسعه آتی

مجتمع‌های خدماتی: در مجتمع‌های خدماتی و مؤسسات وابسته به آن وجود گاراژ، ترمینال پایانه‌ها، وسایل حمل‌ونقل و راه‌های ارتباطی الزامی است و محل این مجتمع‌ها باید در نزدیکی مناطق صنعتی باشد.

مناطق بهداشتی و درمانی: این منطقه، مناطق مسکونی را از منطقه صنعتی و تجهیزات راه‌آهن و مناطق اجتماعی جدا کرده و اساس آن را فضای سبز تشکیل می‌دهد. فضاهای خالی این منطقه را ترمینال پایانه‌ها، ایستگاه‌ها، مراکز و تأسیسات ورزشی و ساختمان‌های اداری و خدماتی اشغال می‌کنند. **مناطق حمل‌ونقل خارجی:** این منطقه شامل راه‌آهن، راه‌های شوسه و آسفالت اتومبیل و ایستگاه‌های آن‌ها، تلمبه‌خانه‌ها و موتورخانه‌های آب، میادین و تجهیزات دیگر است. معمولاً این منطقه تمامی مناطق شهر را احاطه کرده و اندازه شعاع آن برای شهرهای کوچک ۵-۱۰ کیلومتر است. در ترکیب آن پارک‌ها، جنگل‌ها، فرودگاه‌ها، تجهیزات آب، مناطق کشاورزی، استراحتگاه‌ها، مناطق تجمع و دفع زباله و فاضلاب شهر و غیره می‌تواند باشد.

چهارچوب برنامه‌ریزی در شهرهای کوچک

از عوامل مؤثر برای تشکیل چهارچوب برنامه‌ریزی شهر و مسائل مربوط به آن تمکن مالی و دارایی اشخاص و افراد، خصوصیت‌های صنعتی، مشخصات اقلیمی و آب‌وهوایی، وجود عناصر درمانی مانند آب‌های معدنی و غیره، تأسیسات رفاهی و تفریحی، مجتمع‌های کارگاهی، تولیدی و کشاورزی و احداث و ایجاد آن‌ها در شهرهای کوچک است.

صنایع اراضی	صنایع فلزی	صنایع شیمیایی	صنایع معدنی	صنایع الکترونیک و برق	صنایع اتومبیل	صنایع ماشین‌سازی
مسکونی	۳۴-۳۷	۳۰-۴۰	۵۰-۶۰	۷۰-۷۸	۴۸	۶۴
صنعتی	۲۰-۴۰	۲۰-۴۰	۰-۱۰	۴-۸	۲۵	۷
حمل‌ونقل	۲-۷	۱/۵-۲	۰/۳-۱/۵	۱/۶-۲	۱/۵	۱/۲
اجتماعی	۲-۳	۲-۵	۱-۷	۰-۳	۳/۵	۶/۵
بهداشتی و درمانی	۱۰-۳۰	۲۰-۵۰	۱۰-۱۵	۱/۵-۲	۱/۸	۱۱-۱۲

فرم‌گیری پلان شهری به عوامل زیادی بستگی دارد: نزدیکی به منابع آب دریا، رودخانه، استخرهای طبیعی، خصوصیت‌های جغرافیایی شهر کوهستانی، دامنه کوه‌ها، دشت‌ها، توسعه خطوط و وسایل حمل‌ونقل شهری. براساس عوامل فوق یا سایر عوامل، پلان شهری فرم‌های مختلفی به خود می‌گیرد؛ برای مثال پلان بسته دایره‌ای مجموعه‌های شهری کامپکت، پلان باز یا آزاد خطی که خود بر دو نوع است؛ خطی جدا از هم و خطی پراکنده؛ خطی جدا از هم که در اثر توسعه و برخورد با موانع طبیعی یا مصنوعی از هم جدا شده‌اند؛ خطی پراکنده که در اثر توسعه چند شهرک و روستای نزدیک به هم ایجاد شده‌اند. در چنین موقعیتی مسائل تمامی قسمت‌های شهر به‌صورت کلی و مجموعه‌ای حل‌وفصل می‌شود. ساخت شهرهای خطی پراکنده یا جدا از هم، با ساخت همزمان مناطق صنعتی و مسکونی به‌وجود می‌آید. در چنین وضعیتی جهت توسعه مجموعه شهر به صورت توسعه خطی خود را بروز می‌دهد. در شهرهای



خطی وسایل حمل و نقل، تحرکات شغلی و خدماتی اهالی شهر را سرعت می‌بخشد. در شهرهای خطی، توسعه آزاد امکان‌پذیر است که این مسئله تأثیر منفی در تیپ ساخت پلان شهر محسوب می‌شود؛ چون هر مرحله و هر ناحیه جدا از هم و با ایجاد فاصله و جدایی محل کار با محل مسکونی ایجاد می‌شود. در شکل‌گیری پلان شهری مشخصات سطح زمین و اراضی تأثیر به‌سزایی دارد. در مناطق کوهستانی محله‌های پراکنده، زیبایی خاصی به شهر می‌دهد. پلان اصلی در شهرهای کوچک با در نظر گرفتن فعالیت‌های مختلف شهری منطقه‌بندی و انتخاب صحیحی را برای مراکز شهری، محله‌های مرکزی، منطقه تجاری، منطقه انتظامی، مراکز فرهنگی، ایستگاه‌ها و پارک‌ها به عمل می‌آورد. میزان رفت و آمد به ساختمان‌های عمومی در زمان‌های پررفت و آمد، وضعیت عمومی ظرفیت بزرگراه‌ها و میادین و دیگر شبکه راه‌ها را می‌توان محاسبه و تخمین زد. در طرح پلان شهری شاخص اصلی رفت و آمد در نقطه تقاطع مناطق مسکونی شهر نشان داده می‌شود. مرکز شهر همیشه باید در دسترس و در نقطه بالای اراضی شهری ایجاد شده و نقطه تقاطع مسیر اصلی حرکت اهالی یا نقاط تقاطع بزرگراه‌ها باشد. در این حالت بزرگراه‌ها به‌عنوان مسیر اصلی مجموعه خوانده می‌شوند. در طراحی و ایجاد پلان شهر وجود منابع آب و فضای سبز طبیعی نقش کمی بازی نمی‌کند؛ به‌طور مثال طبیعت سواحل کناری رودخانه‌ها خود را به‌صورت راهنما و جهت‌ی برای توسعه مجموعه نشان می‌دهد و در چنین وضعیتی همیشه اولویت با راه‌هایی است که در طول رودخانه احداث می‌شوند که چنین راه‌هایی بیشتر اوقات در جهت استفاده پیاده‌روها به‌کار گرفته می‌شود.

نکته ۱۳: یکی از علل اساسی طراحی شهر در فرم‌های مختلف احداث ساختمان‌های مسکونی و صنعتی به‌صورت یکجا و نزدیک به هم است. اولاً برای احداث شهرهای صنعتی به زمین‌های وسیع نیازمند هستیم؛ ثانیاً برای احداث شهرهای صنعتی نیاز به فضای سبز بیشتری به منظور تصفیه هوای آلوده و صنعتی است. علاوه بر این‌ها اراضی شهرهای صنعتی باید تحت پوشش باد بوده به دلیل انتقال هوای آلوده و با بزرگراه‌های باربری در ارتباط نزدیک باشند؛ پس با در نظر گرفتن عوامل فوق امکان طراحی شهرهای صنعتی در فرم‌های مختلف وجود دارد.

در مناطق مسکونی دارای پروفیل روستایی باید مؤسسات و مجموعه‌های صنایع روستایی را در نظر گرفت. بعضی اوقات صنایع محلی اراضی ویژه‌ای را طلب می‌کنند. بدین منظور در طراحی پلان شهری باید همگام با سیستم تولید مسکن، مسائل کشاورزی و روستایی را مدنظر قرار داده و برای ایجاد مجموعه‌هایی از صنایع کشاورزی کارگاهی جدا از هم و کارخانه‌ای در کنار مناطق مسکونی اقدام کرد. در شهرهای جنگلی و دارای صنایع چوب و کاغذ، ایجاد مناطق صنعتی دارای ویژگی‌های خاص بوده و معمولاً این مناطق در طول رودخانه ایجاد و اراضی مابین محل زندگی و صنایع مسافت کمی را اشغال می‌کنند. ۵۰۰ متر پلان ایجاد شهرهای رفاهی، به طبیعت زیبا و عوامل خاص مؤثر در معالجه امراض مختلف نیاز دارد. مناطق رفاهی و درمانی اساساً باید در زمین‌های ساحلی و دور از بزرگراه‌ها و داخل جنگل‌های طبیعی ایجاد شود. در شهرهایی که مجموعه‌های توریستی و گردشگری احداث می‌شود اساساً باید در حفظ و نگهداری آثار معماری و سیمای تاریخی آن برنامه‌ریزی اساسی شده و اقدامات لازم به‌عمل آید و همزمان با احداث این شهرها به تهیه نقشه بناهای تاریخی و مدیریت آن‌ها نسبت به احداث میادین مراکز اجتماعی و تجاری با دقت ویژه‌ای اقدام کرد.

کلمه مثال ۶: بهترین مکان برای ایجاد مکان‌های تفریحی کدام مورد است؟

- ۱) در کنار بزرگراه‌ها ۲) دور از بزرگراه‌ها ۳) در کنار جاده‌های کوهستانی ۴) دور از جاده‌های فرعی

پاسخ: گزینه «۲» مناطق تفریحی در زمین‌های ساحلی و دور از بزرگراه‌ها و داخل جنگل‌های طبیعی ایجاد شود.

مناطق مسکونی شهر

در طراحی و تنظیم پلان اصلی شهر نقش اساسی را مناطق مسکونی بازی می‌کنند و بدین منظور باید فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و عوامل طبیعی را نسبت به مناطق مسکونی طراحی کرد. چهارچوب جمعیتی شهرهای کوچک با شهرهای بزرگ و مادرشهرها متفاوت است؛ به‌طوری که بیشتر جمعیت شهرهای کوچک را بچه‌ها و پیران تشکیل می‌دهند و در عکس آن جمعیت فعال درصد کمتری را به خود اختصاص می‌دهند و ترکیب افراد خانواده زیاد و در فعالیت‌های اجتماعی و مشاغل از زنان کمتر استفاده می‌شود. مسائل و مراتب فوق‌الذکر در تیپ، تعداد طبقات و تراکم ساختمان‌های مسکونی مؤثر خواهد بود. به این شکل که بر تعداد طبقات ساخت مسکن تأثیر می‌گذارد. در شهرهای کوچک و روستاها ساختمان‌های مسکونی گذشته از ساختمان‌های به صورت منازل مسکونی یک‌طبقه ساخته می‌شوند. این نوع ساخت‌وساز به علت وجود زمین ارزان و وسیع در این شهرهاست.

احداث مناطق مسکونی

انسان تمامی نیازهای زندگی اجتماعی خود را می‌تواند در مناطق مسکونی به‌دست بیاورد. در چنین وضعیتی هم بناهای مسکونی و هم مراکز خدمات عمومی مورد استفاده روزانه مثل مدرسه و فروشگاه‌های مواد غذایی را در یک محدوده احداث می‌کنند. طبیعی است که برای چنین منظوری از زمین‌هایی با طبیعت زیبا و دارای فضای سبز و چشم‌اندازی دلنشین استفاده می‌شود. در صورتی که پلان شهر به‌صورت خطی باشد، می‌توان ساختمان‌های مسکونی را به‌صورت مجتمع‌ها یا محله‌های مسکونی براساس راه‌های پیاده فرم داده و طراحی کرد. برای استفاده کامل می‌توان ساختمان‌های مسکونی را از نظر تراکم و تعداد طبقات به بلوک‌هایی تقسیم کرد. در شهرهای کوچک میزان جمعیت در تراکم ساختمان‌ها و تعداد طبقات آن‌ها تأثیر مهمی دارد.

ویژگی‌های اقتصادی و صنعتی شهرهای کوچک

تراکم ساختمان‌ها در مناطق مسکونی

فضای ساختمان‌های مسکونی در مناطق مسکونی درصدی از کل فضا است که حدود ۱۷-۱۵ درصد را تشکیل می‌دهد. تراکم مناطق مسکونی به صورت ناخالص در داخل ساختمان به نسبت هر نفر به هکتار محاسبه و تراکم جمعیت به نسبت تعداد نفرات موجود در یک هکتار وسعت منطقه زندگی به صورت نفر / هکتار محاسبه می‌شود.